



Requirements for the Effective Participation of Children and Adolescents in Court Hearings: A Comparative Study of International Standards and the Penal System of Iran

Morteza Rāsteh,¹ Hassan ‘Alī Moazenzadegan,² Rajab Goldūst Jūybārī³

1. M.A. in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Islamic Azad University, Chalous Branch, Chalus, Mazandaran (**Corresponding Author**).
morteza.rasteh313@gmail.com.

2. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba’i University, Tehran, Iran. Email: moazenzadegan@atu.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: r-goldoust@sbu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Received:
December 22, 2023

Accepted:
August 05, 2024

Keywords:
Fair procedure, Effective participation, Children and adolescents, International standards, Criminal justice system of Iran.



ABSTRACT

Since the right to a fair trial is considered a fundamental component of the criminal justice system in a democratic society, children and adolescents accused of violating criminal laws also possess this right. They should benefit from the same guarantees related to fair trial as adults throughout the proceedings. However, they may require additional support due to their vulnerability. Accordingly, the right to “effective participation in the hearing” is one of the issues that is of great importance in the criminal justice system of children and adolescents and has created the special rights of this group. This right, on one hand, has a practical and utilitarian concept, where it serves as a tool to ensure that the child or adolescent understands the nature of the trial process and can exercise their right to defense. On the other hand, it has a composite and multifaceted concept, surrounded by a significant list of requirements, and only with the formalization of these requirements can effective participation be achieved. In this regard, this article employs a descriptive-analytical method to elucidate the position of the subject in a comparative manner within international standards and the criminal justice system of Iran. The findings and results of the present research indicate that the requirements of this subject are largely congruent and aligned within these two systems. However, the complete realization of these requirements in the legislative and judicial systems of Iran necessitates that, on one hand, the legislator specifies certain obligations that have thus far been overlooked (including the oral and adversarial or contentious nature of proceedings and the public disclosure of issued verdicts) and, on the other hand, the existing practical and operational challenges within the court practices for children and adolescents in this regard need to be addressed.

Cite this article: Rāsteh, M., Moazenzadegan, H. A., Goldūst Jūybārī, R. (2024). Requirements for the Effective Participation of Children and Adolescents in Court Hearings: A Comparative Study of International Standards and the Penal System of Iran. *The Criminal Law Doctrines*, 20(26), 289-332. <https://doi.org/10.30513/cld.2024.5738.1945>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



الزامات مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان در جلسه دادرسی؛ مطالعه تطبیقی در موازین بین‌المللی و نظام کیفری ایران

مرتضی راسته^۱، حسنعلی مؤذن‌زادگان^۲، رجب گلدوست جویباری^۳

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، مازندران. (نویسنده مسئول). morteza.rasteh313@gmail.com
۲. استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. moazenzadegan@atu.ac.ir
۳. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. r-goldoust@sbu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

از آنجا که حق دادرسی منصفانه به‌عنوان رکن اصلی نظام عدالت کیفری در یک جامعه دموکراتیک محسوب می‌گردد، کودکان و نوجوانان متهم به نقض قوانین کیفری نیز از این حق برخوردارند. این افراد نه تنها باید همانند بزرگسالان در طول دادرسی از ضمانت‌های مرتبط با دادرسی منصفانه بهره‌مند شوند، بلکه به دلیل آسیب‌پذیری بیشتر، ممکن است نیاز به حمایت‌های اضافی داشته باشند. یکی از موضوعات مهم در نظام عدالت کیفری کودکان و نوجوانان که حقوق ویژه‌ای را برای این گروه ایجاد کرده است، حق «مشارکت مؤثر در جلسه دادرسی» است. این حق، از یک سو مفهومی کاربردی و فایده‌گرا دارد و به‌عنوان ابزاری برای اطمینان از درک ماهیت فرایند دادرسی توسط کودک یا نوجوان و اجرای حق دفاع او شناخته می‌شود و از سوی دیگر، دارای مفهومی ترکیبی و چندوجهی است که با مجموعه‌ای از الزامات احاطه شده است. تنها با تحقق این الزامات است که مشارکت مؤثر ممکن خواهد بود. این مقاله، به روش توصیفی-تحلیلی، جایگاه این موضوع را به صورت تطبیقی در موازین بین‌المللی و نظام دادرسی کیفری ایران بررسی می‌کند. یافته‌ها و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که الزامات این موضوع تا حد زیادی در این دو نظام هماهنگ و منطبق است. با این حال، برای تحقق کامل آن در نظام تقنینی و قضایی ایران، از یک سو قانون‌گذار باید به برخی الزامات مغفول مانده (از جمله شفاهی و توافقی بودن دادرسی و انتشار عمومی آرای صادره) تصریح نماید و از سوی دیگر، چالش‌های اجرایی و عملی موجود در رویه دادگاه‌های اطفال و نوجوانان باید برطرف شود.

نوع مقاله:

علمی پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۵/۱۵

کلیدواژه‌ها:

دادرسی منصفانه،

مشارکت مؤثر،

کودکان و نوجوانان،

موازین بین‌المللی،

نظام کیفری ایران.



استناد: راسته، مرتضی؛ مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ گلدوست جویباری، رجب. (۱۴۰۳). الزامات مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان در جلسه دادرسی؛ مطالعه تطبیقی در موازین بین‌المللی و نظام کیفری ایران. آموزه‌های حقوق کیفری، ۲۰(۲۶)، ۲۸۹-۳۳۲.



<https://doi.org/10.30513/cld.2024.5738.1945>

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

از اواخر قرن نوزدهم به بعد، رویه‌ای در نظام بین‌المللی به وجود آمد که کودکان و نوجوانان^۱ معارض با قانون^۲ را از مجرمان بزرگسال جدا کرده و با این قشر، متفاوت از

۱. پیمان نامه حقوق کودک بدون تفکیک بین اصطلاح «کودک» و «نوجوان»، واژه «کودک» را به کلیه اشخاص زیر هجده سال اطلاق می‌کند. در این رابطه، ماده ۱ این پیمان نامه مقرر می‌دارد: «منظور از کودک در این پیمان نامه، فرد زیر هجده سال است؛ مگر اینکه سن بلوغ طبق قانون قابل اجرای داخلی، کمتر تشخیص داده شود.» بنابراین اصل بر این است که سن بلوغ توسط دولت‌ها مشخص می‌شود. علت وضع حکم قسمت اخیر ماده ۱ پیمان نامه حقوق کودک این است که کشورها با توجه به وضعیت جسمی و روانی و رشد عقلی کودکان تحت حاکمیت خود و در پاره‌ای از موارد با توجه به واقعیات سیاسی و اجتماعی و با در نظر گرفتن آداب و سنن مذهبی، سن معینی را به عنوان سن رشد و بلوغ اعلام می‌کنند. با این حال، دولت‌ها به طور کلی ترغیب شده‌اند که این سن را خیلی پایین در نظر نگیرند. در نظام کیفری ایران با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، با هر فرد زیر هجده سال در زمان ارتکاب جرم، باید مطابق با مقررات مربوط به عدالت کیفری اطفال و نوجوانان و دادرسی منصفانه ویژه آن‌ها رفتار شود. از این رو می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که در حال حاضر، افتراقی بودن دادرسی اطفال و نوجوانان در ایران، تمامی افراد زیر هجده سال را شامل می‌شود؛ که این موضوع با معیارها و استانداردهای بین‌المللی به خصوص پیمان نامه حقوق کودک - که ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به آن پیوست - سازگار است. با این حال، در نظام کیفری ایران، ضابطه و معیار مشخصی در رابطه با مرز میان سن کودکی و نوجوانی وجود ندارد و فقط به سن بلوغ شرعی با تفکیک جنسیتی - در دختران و پسران به ترتیب ۹ و پانزده سال تمام قمری - به صراحت اشاره شده است. با وجود این، به لحاظ عدم انطباق بلوغ شرعی مدنظر فتاوی مشهور فقهای امامیه با واقعیات اجتماعی، قانونگذار در قوانین جزایی مصوب ۱۳۹۲ رویکرد خود را - از حیث ماهوی و شیوه رسیدگی - در خصوص مفهوم کودکی و نوجوانی تغییر داده است و از حیث ماهوی در بخش مجازات‌های تعزیری (از جمله ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی) و به لحاظ شکلی در دادرسی کیفری کودکان و نوجوانان (از جمله ماده ۲۸۵ و ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری)، معیار بلوغ شرعی را برای تحقق رشد جزایی یا کمال عقل لازم‌الاتباع ندانسته است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که نظام کیفری ایران، اشخاص کمتر از پانزده سال را در مفهوم کودکی و پانزده تا هجده سال را در مفهوم نوجوانی به کار گرفته است. برای مطالعه بیشتر در خصوص تبیین مفاهیم کودکی و نوجوانی در نظام کیفری ایران؛ نگاه کنید به: (مؤذن زادگان، ۱۴۰۲، ص ۵-۱۲).

۲. مطالعات جرم‌شناختی نشان می‌دهد که کودکان و نوجوانان با ارتکاب جرم لزوماً به دنبال نقض هنجارهای اخلاقی و اجتماعی متبلور در قوانین کیفری نیستند، بلکه چه بسا با رفتار مجرمانه و یا منحرفانه در مقام بیان مشکلات عمیق شخصی، خانوادگی و اجتماعی‌ای هستند که موجب ناسازگاری آنان با جامعه شده است (نجفی ایرن‌آبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۴). بر این اساس، به نظر می‌رسد اتخاذ واژه «معارض با قانون» در برخی متون دادرسی کودکان و نوجوانان در زمینه توصیف آن دسته از کودکان و

بزرگسالان رفتار می‌شود.^۱ بر این اساس، بسیاری از کشورها قوانین مجزا و ویژه‌ای را برای کودک یا نوجوان معارض با قانون وضع کردند. به موازات وضع این قوانین، نظام دادرسی افتراقی^۲ برای کودکان و نوجوانان نیز تدوین شد.^۳ در این راستا، یکی از مؤلفه‌های اساسی برای تضمین و ارتقای سازوکارهای حمایت از منافع این قشر در نظام دادرسی کیفری، حق «مشارکت مؤثر»^۴ در جلسه دادرسی است؛ که جلوه‌ای از «حق بر شنیده شدن»^۵ محسوب می‌شود.

نوجوانانی که رفتار ایشان در مغایرت با قوانین کیفری بوده و دارای عناوین مجرمانه است، به مراتب بار منفی کمتری نسبت به کاربرد واژه‌های «بزهکار»، «مجرم» یا «منحرف» داشته باشد. به کار بردن واژه‌های مذکور، به صورت ناخودآگاه رفتاری ضد اجتماعی در کودکان و نوجوانان به وجود می‌آورد (مؤذن‌زادگان، ۱۳۹۶، ص ۱۳۰).

۱. اولین دادگاه اختصاصی کودکان و نوجوانان با هدف اتخاذ روش ویژه‌ای بردادرسی این قشر از متهمان، در آوریل ۱۸۹۹ در شهر شیکاگو واقع در ایالت ایلینوی آمریکا تأسیس شد.

۲. افتراقی بودن نظام دادرسی کودکان و نوجوانان به معنای پیش‌بینی تشکیلاتی منسجم و پاسخ‌هایی منطبق با نیازهای کودکان و نوجوانان در نظر گرفتن سن، سطح بلوغ و ظرفیت‌های فکری و عاطفی اوست (شاملو و حسینی، ۱۳۹۹، ص ۷۵).

۳. وضع قوانین ماهوی و شکلی و رفتار کیفری متفاوت - از جمله در رابطه با کودکان و نوجوانان -، نتیجه افتراقی شدن یا افتراقی سازی سیاست جنایی بر پایه معیار بزهکار (مرتکب) می‌باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۱، ص ۶۰ و ۶۱).

4. Effective Participation.

۵. حق بر شنیده شدن (The Right to Be Heard) به این معناست که کودکان و نوجوانان می‌توانند با توجه به سن، سطح بلوغ و ظرفیت‌های فکری و عاطفی خود، در تصمیم‌گیری‌ها و مسائلی که بر زندگی شخصی و اجتماعی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، سهم باشند و مشارکت نمایند. بر این اساس، از مهم‌ترین الزامات حق بر شنیده شدن، اجازه دادن به مشارکت کودکان و نوجوانان در مسائل و موضوعات مربوطه است. یکی از مهم‌ترین این مسائل، مشارکت مؤثر در دادرسی کیفری می‌باشد. ماده ۱۲ پیمان‌نامه حقوق کودک، در مورد حق بر شنیده شدن مقرر می‌دارد: «۱- کشورهای عضو این پیمان‌نامه تضمین خواهند کرد کودکی که قادر به شکل دادن به عقاید خود است، باید حق ابراز آزادانه این عقاید را در کلیه اموری که به وی مربوط می‌شود داشته باشد و متناسب با سن و میزان رشد فکری کودک، به نظرات وی اهمیت لازم داده شود؛ ۲- بدین منظور، برای کودک فرصت‌هایی فراهم می‌شود تا بتواند در هر یک از مراحل رسیدگی‌های قضایی و اجرایی مربوط به وی به طور مستقیم یا از طریق نماینده یا شخصی مناسب، به روشی منطبق با مقررات آیین دادرسی در قوانین داخلی، ابراز عقیده نماید.» بر این اساس، می‌توان اذعان نمود که پیمان‌نامه حقوق کودک با شناسایی حق کودکان و نوجوانان بر شنیده شدن و توجه به اظهارات آنان توسط افراد و نهادهای تصمیم‌گیرنده، درصدد است تا نقش این قشر را در هر جایگاهی - از جمله در

کمیته حقوق کودک^۱ در راستای تفسیر حکم شق «ب» از بند ۲ ماده ۴۰ پیمان نامه حقوق کودک^۲ و با توجه به بند ۲ قاعده ۱۴ از قواعد پکن (حداقل قوانین استاندارد سازمان ملل در مورد اجرای عدالت نوجوانان)^۳ اصطلاح «مشارکت مؤثر» در دادرسی کودکان و نوجوانان را این گونه معرفی می کند: «... حق مشارکت مؤثر در دادرسی به این معنی است که کودک معارض با قانون، نه تنها باید از اتهامات علیه خود مطلع شود بلکه ضروری است از روند کار در نظام عدالت و اقدامات احتمالی آگاهی یابد. علاوه بر این، باید عواقب و مجازات های احتمالی را درک کند تا از این طریق، وکیل یا نماینده قانونی خود را راهنمایی نماید؛ شهود را به چالش بکشد؛ گزارشی از وقایع را ارائه دهد و در نهایت، در مورد احکام و تصمیمات دادگاه که علیه وی صادر شده است، اعتراض نماید» (CRC, General Comment No.24, 2019, p.46). از این رو، باید اذعان نمود که «مشارکت مؤثر» دارای سازوکاری پیچیده است که می تواند موضوعات مختلفی را در فرایند دادرسی شامل شود و در پرتویک مجموعه بزرگ تری از الزامات، تحقق اهداف مدنظر خود را دنبال کند؛ به طوری که ساختار این موضوع حتی با فقدان یکی از این الزامات، تحت الشعاع قرار خواهد گرفت.

در خصوص پیشینه تحقیق و نیز وجه نوآوری مقاله حاضر، شایان ذکر است که به دلیل اهمیت اساسی نظام عدالت کیفری ویژه کودکان و نوجوانان و حمایت از این قشر در مواجهه با دستگاه قضایی، پیرامون آن پژوهش هایی صورت گرفته است که بیشتر آن ها حوزه بحث را به حقوق ایران محدود کرده اند. در این بین، یکی از مقاله هایی که با پژوهش حاضر قرابت و سنخیت دارد، مقاله «افتراقی سازی تشریفات دادرسی کودکان و نوجوانان در ایران» (مهر، ۱۳۹۹) است. نویسنده آن

جایگاه متهم- پرننگ تر کند؛ رویکردی که کودک را نه تنها به جهت کودک بودنش از فرایند رسیدگی حذف نمی کند، بلکه به او اجازه می دهد تا با بیان عقاید و اظهاراتش، در روند رسیدگی مشارکت مؤثر داشته باشد.

1. Committee on the Rights of the Child (CRC).
2. Convention on the Rights of the Child (1989).
3. UN Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice [Beijing Rules] (1985).

مقاله، با هدف رسیدن به شناختی حداقلی از وضعیت موجود در حقوق کیفری ایران در رابطه با این موضوع، ضمن تفکیک سه مرحله پیش از رسیدگی، رسیدگی و پس از رسیدگی، تلاش کرده است تا تشریفات ویژه هریک از این مراحل را براساس قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به طور جداگانه در سه بخش تبیین نماید. بخش دوم آن تحت عنوان «تشریفات ویژه مرحله رسیدگی»، به طور اجمالی قواعد افتراقی مربوط به سازوکارهای دادرسی کودکان و نوجوانان را در این مرحله بیان کرده و این طور نتیجه گیری کرده است که، گرچه حقوق ایران تلاش های بسیاری را در راستای افتراقی سازی مؤلفه های دادرسی منصفانه ویژه کودکان و نوجوانان و رعایت آن انجام داده است، با این حال همچنان تا رسیدن به وضع مطلوب، راه بسیاری در پیش است.

براین اساس، آنچه سبب ضرورت و اهمیت انجام پژوهش حاضر می شود این است که تاکنون تحقیقی به صورت تخصصی به موضوع الزامات مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان در جلسه دادرسی نپرداخته و مطالعه تطبیقی در رابطه با این الزامات و قلمرو و تشریفات اعمال هریک از آن ها به شکل حاضر انجام نشده است. در این راستا، با عنایت به اینکه امروزه حقوق به رسمیت شناخته شده برای کودکان و نوجوانان در قوانین داخلی کشورها به طور فزاینده ای تحت تأثیر اسناد عام حقوق بشر و مقررات بین المللی مربوط به حقوق کودک و رویه مراجع قضایی و نظارتی حقوق بشری، متحول شده و سبب شکل گیری الگوی واحد و جامع مربوط به اصول آیین دادرسی ویژه این قشر شده اند، از این رو موازین بین المللی برای مطالعه تطبیقی در این پژوهش برگزیده شده است.

در این راستا، نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بهره گیری از منابع کتابخانه ای و اسنادی، در پی پاسخ به این پرسش است که الزامات مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان در جلسه دادرسی کیفری و همچنین قلمرو و تشریفات اعمال آن ها در موازین بین المللی و نظام کیفری ایران، تا چه اندازه دارای معیارهای مشترک بوده و قابل تطبیق هستند؟

حق کودکان و نوجوانان برای مشارکت مؤثر در دادرسی، به طور کلی نه تنها شامل

حق حضور، بلکه همچنین استماع و بیان آزادانه اظهارات و پیگیری دادرسی نیز می‌شود. تضمین چنین حقوقی مستلزم آرامش و تمرکز کودک یا نوجوان در دفاع از خود است که باید در فضایی غیررسمی و با حفظ حریم خصوصی وی صورت پذیرد. در کنار این موضوعات، مشارکت مؤثر زمانی به ثمر می‌نشیند که تصمیمات دادگاه با استدلال کافی و استناد به مواد قانونی و اصول حقوقی صادر شود و به صورت عمومی منتشر گردد تا چرایی تصمیمات گرفته شده آشکار شود.

با توجه به این موارد، سازمان مقاله به این ترتیب است که در چهار بخش؛ ابتدا «حضور بودن دادرسی کودکان و نوجوانان» مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ در بخش دوم، به تبیین «شفاهی و ترافعی بودن دادرسی» پرداخته خواهد شد؛ سپس در بخش سوم، «غیرعلنی بودن دادرسی» مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ و سرانجام در بخش چهارم، «مستدل و مستند بودن حکم دادگاه و انتشار عمومی آن» بررسی و تحلیل خواهد شد.

۱. حضوری بودن دادرسی کودکان و نوجوانان

حضور بودن دادرسی از مهم‌ترین الزامات حق مشارکت مؤثر در جلسه دادرسی و بخش ضروری برای اعمال حق دفاع کودکان و نوجوانان متهم به نقض قوانین کیفری محسوب می‌شود. این الزام به عنوان یکی از اساسی‌ترین معیارهای قوام‌دهنده دادرسی منصفانه در دادگاه‌های کودکان و نوجوانان، با اصل برابری سلاح‌های طرفین ارتباط دارد. حضوری بودن جلسه دادرسی این قشر را می‌توان در قالب سه عنوان بررسی نمود: «حضور فیزیکی متهم»، «حضور وکیل» و «حضور والدین یا سرپرستان».

۱-۱. حضور فیزیکی متهم در جلسه دادرسی

فرض بر این است که وقتی می‌توان کودکان و نوجوانان را به دلیل ارتکاب جرمی مورد تعقیب و بازخواست قرار داد، باید این حق نیز به آن‌ها داده شود تا بتوانند در جلسه رسیدگی به اتهامات خود شرکت کنند. از این رو، حضور فیزیکی و مستمر کودک یا نوجوان در جلسه دادرسی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حق حضوری بودن

دادرسی است. در این رابطه، کمیته حقوق کودک در تفسیر عمومی شماره ۱۲ به صراحت بر این حق تأکید نموده و بیان داشته است: «به منظور مشارکت مؤثر در دادرسی، کودک باید به سرعت، به طور مستقیم و به زبانی که می‌فهمد از اتهامات وارده به خود مطلع شود و در مورد روند دادرسی و اقدامات احتمالی دادگاه، آگاهی یابد. از این رو، دادرسی باید در فضایی انجام شود که متهم بتواند در آن شرکت کند و آزادانه اظهار نظر نماید» (CRC, General Comment No.12, 2009, p.60).^۱ همچنین در «دستورالعمل پارلمان و شورای اتحادیه اروپا در مورد تضمین‌های رویه‌ای برای کودکان مظنون یا متهم در دادرسی کیفری» به صراحت تأکید شده است که: «... کودکان حق حضور در جلسه محاکمه خود را دارند و کشورهای عضو باید تمام اقدامات لازم را انجام دهند تا آن‌ها را قادر به مشارکت مؤثر در محاکمه نمایند...».^۲ در اغلب اسناد عام حقوق بشری نیز به طور کلی و بدون مستثنی کردن کودکان و نوجوانان، حق حضور فیزیکی متهم در فرایند دادرسی به عنوان عنصری مهم و انکار نشدنی در زمینه ارائه یک دفاع مناسب از سوی متهم، به صراحت یا به طور تلویحی به رسمیت شناخته شده است.^۳

از این رو، محاکم ملی باید الزاماتی را در راستای استماع مؤثر نظرات کودکان و نوجوانان رعایت نمایند؛ از جمله: (۱) ایجاد یک محیط نیمه رسمی در دادگاه؛ (۲)

۱. البته کمیته حقوق کودک در راستای دورنگه داشتن برخی متهمان کم سن و سال از محیط‌های کیفری و جلوگیری از تأثیر منفی و زیان بار بر شخصیت آن‌ها، در جدیدترین تفسیر عمومی خود در سال ۲۰۱۹، با استفاده از عبارت «کودکی که بالاتر از حداقل سن مسئولیت کیفری باشد»، لزوم حضور فیزیکی متهم در تمام فرایند عدالت کیفری را مختص نوجوانان در نظر گرفته است (CRC, General Comment No.24, 2019, p.46). بنابراین، در مورد حضور کودکانی که پایین تر از حداقل سن مسئولیت کیفری هستند، دادگاه با توجه به مصلحت آن‌ها، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید.

2. Directive (EU) 2016/800 The European Parliament and the Council of the European Union, on procedural safeguards for children who are suspects or accused persons in criminal proceedings, 11 May 2016, Article 16 (1).

۳. شق «د» از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ شق «د» از بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر؛ شق «ج» از بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر؛ شق «ج» از بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم؛ بند ۱ ماده ۶۳ و شق «د» از بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

استفاده قاضی از روش‌های محاوره‌ای خاص کودکان و نوجوانان؛ ۳) دادن فرصت به متهم برای بیان اظهارات خود در مورد پرونده؛ ۴) علاقه‌مندی واقعی قاضی به استماع اظهارات متهم (Rap, 2019, p.102). به نظر می‌رسد دو الزام اول عواملی هستند که می‌توان آن‌ها را در تحقق دو الزام اخیر مؤثر دانست. در تحلیل این الزامات می‌توان گفت که نخست، با توجه به محل دادگاه کودکان و نوجوانان، نوع چیدمان صندلی‌های دادگاه و تزئینات سالن محاکمه در راستای تعدیل فضای رسمی جلسه مهم است. بنابراین نیازی نیست که قاضی در مکانی بالاتراز سایرین جلوس کند؛ بلکه بهتر آن است که تمامی افراد حاضر در دادگاه در اطراف یک میز، گرد هم جمع آیند. همچنین نصب عکس، تابلوهای نقاشی و پوستره‌های گویای حمایت از حقوق این قشر از متهمان می‌تواند به تشکیل محیط نیمه رسمی کمک نماید. دوم، مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان مستلزم پرهیز از استفاده از اصطلاحات و واژگان خاص حقوقی است. همچنین باید از روش‌های خاصی در مکالمه استفاده شود و به الفاظی دوستانه و صمیمی مورد خطاب قرار گیرند تا به جای اینکه متهم را از بیان اظهارات خود بازدارد، وی را به گفتگو تشویق نماید. سوم، قاضی نباید بیش از حد متعارف صحبت کند و یا موضوعات غیرضروری را مطرح نماید، زیرا چنین وضعی ممکن است باعث اضطراب و تشویش ذهن کودک یا نوجوان شود و سبب گردد که آن‌ها از مشارکت مؤثر در جلسه منصرف شوند. چهارم، هنگام پرسش از کودکان و نوجوانان توسط قاضی، مهم است که این سؤال‌ها کوتاه، مستقیم و شفاف باشند و اظهاراتی که از سوی متهم ارائه می‌شود، با دقت گوش داده شود. تمامی این اقدامات به این دلیل است که از احساس ترس ناشی از حضور در چنین مکانی کاسته شود و کودکان و نوجوانان با احساس آرامش بیشتری در مقابل قاضی قرار بگیرند و پذیرای تصمیمات دادگاه گردند.^۱

۱. برخی از نویسندگان، دادگاه ویژه کودکان و نوجوانان را دادگاه‌های حل مسئله (Problem-Solving Courts) نام‌گذاری می‌کنند، زیرا منطق شکل‌گیری این دادگاه‌ها، پرداختن به دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری جرم و چگونگی بازپروری مجرم است، نه مجازات کردن (رابرتس، ۱۴۰۰، ص ۵۳). برای این اساس، مصالح و منافع عالی‌ه کودکان و نوجوانان ایجاب می‌کند که بر مسئله محور بودن رژیم رسیدگی، به صراحت تأکید گردد (رستمی، ۱۴۰۲، ص ۳۰۹).

از آنجا که فلسفه حضور فیزیکی کودک یا نوجوان در جلسه دادرسی، فراهم کردن شرایطی است که به او فرصت کافی و مناسب برای استفاده از حقوق دفاعی داده شود، اصل حضوری بودن دادرسی مستلزم دعوت به حضور از متهم یا اطلاع وی از مکان و زمان برگزاری جلسه دادرسی و امکان حضور او در محل تشکیل جلسه است. در این رابطه، در «دستورالعمل کمیته وزرای شورای اروپا در مورد عدالت کودک مدارا»^۱ تأکید شده است که تمام اطلاعات لازم در مورد چگونگی استفاده مؤثر از حق شنیده شدن، باید به کودک ارائه شود (Committee of Ministers of the Council of Europe, 2010, p.48). دادگاه اروپایی حقوق بشر^۲ در این خصوص معتقد است علی‌رغم اینکه بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر،^۳ نوع خاصی از ابلاغ اسناد محاکم ملی را پیش‌بینی نکرده است اما به منظور اجرای صحیح عدالت، متهم نه تنها باید از تاریخ، ساعت و مکان دادرسی آگاهی داشته باشد، بلکه باید از وقت کافی برای آماده‌سازی دفاعیات خود و حضور در جلسه رسیدگی نیز برخوردار باشد (ECtHR, Case of Korchagin v. Russia, 2018, p.65).

برای دستیابی عملی و مؤثر کودکان و نوجوانان به جلسه دادرسی، محلی که جلسه دادگاه در آن برگزار می‌شود باید به نحوی باشد که آن‌ها بتوانند به سهولت به آن دسترسی داشته باشند. مثلاً تشکیل دادگاه در مکانی خارج از شهر نمی‌تواند مکانی متعارف برای تشکیل جلسه دادرسی باشد. همچنین، زمان بندی و ساعت برگزاری دادرسی باید به گونه‌ای باشد که مشقتی برای کودکان و نوجوانان ایجاد نکند و آن‌ها بتوانند به موقع در دادگاه حضور یابند. برگزاری دادگاه در آخر هفته یا در ساعات پایانی شب یا صبح زود، می‌تواند باعث دشواری حضور متهم در سالن دادگاه و نقض حق حضوری بودن دادرسی شود. تغییر مکان جلسه دادرسی و صدور

-
1. Guidelines of the Committee of Ministers of the Council of Europe on Child-friendly Justice (2010).
 2. European Court of Human Rights (ECtHR).
 3. European Convention on Human Rights (1950).

احضاریه تنها چند روز قبل از آغاز رسیدگی نیز نقض حق حضوری بودن دادرسی محسوب می‌شود.

در نظام کیفری ایران، با نگاهی به ماده ۴۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ و به‌ویژه تبصره ۲ آن، می‌توان اصل حضوری بودن دادرسی اطفال و نوجوانان را شناسایی کرد. علی‌رغم اینکه از نحوه نگارش صدر ماده ۴۱۲ و تبصره ۱ آن (عدم ابلاغ وقت جلسه رسیدگی به متهم کمتر از هجده سال)^۲ چنین برداشت می‌شود که احضار طفل یا نوجوان - به صورت مستقیم یا غیرمستقیم - به دادگاه پیش‌بینی نشده است و به جای متهم، والدین یا سرپرستان قانونی وی احضار می‌شوند. با این حال، با توجه به اصل دادرسی منصفانه، لزوم دفاع متهم از خود، اصل مشارکت در فرایند دادرسی کیفری و حق شنیده شدن، ملاک قرار دادن حضور اطفال و نوجوانان در دادگاه برای حضوری بودن دادرسی منطقی‌تر به نظر می‌رسد.^۳ با وجود این، قانونگذار در ماده ۴۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری پذیرفته است که هرگاه مصلحت اطفال (نه نوجوانان) ایجاب کند، «تمام» یا «قسمتی» از دادرسی در غیاب او برگزار شود. به این ترتیب، حسب مصلحت طفل، گاه او در تمامی فرایند دادرسی غایب است (دادرسی غیابی کامل) و گاه در بخشی از آن حضور ندارد (دادرسی غیابی نسبی).

۱. دادگاه اطفال و نوجوانان وقت جلسه رسیدگی را تعیین و به والدین، اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان، وکیل وی و دادستان و شاکی ابلاغ می‌کند. تبصره ۱- هرگاه در موقع رسیدگی سن متهم هجده سال و یا بیشتر باشد، وقت دادرسی به متهم یا وکیل او ابلاغ می‌شود؛ تبصره ۲- در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت و همچنین در جرائم تعزیری که مجازات قانونی آن‌ها غیر از حبس است، هرگاه متهم و والدین یا سرپرست قانونی او و همچنین در صورت داشتن وکیل، وکیل او حاضر باشند و درخواست رسیدگی نمایند و موجبات رسیدگی نیز فراهم باشد، دادگاه می‌تواند بدون تعیین وقت، رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید.

۲. برخی نویسندگان عدم ابلاغ وقت جلسه رسیدگی به متهم کمتر از هجده سال را به دو دلیل می‌دانند: نخست آنکه متهم طفل یا نوجوان، تنها خود را در برابر قانون نبیند بلکه والدین وی نیز با توجه به اینکه نقش عمده‌ای در اصلاح و تربیت فرزندان خود دارند، باید مورد خطاب دستگاه عدالت کیفری قرار گیرند؛ دوم آنکه ابلاغ وقت رسیدگی به متهم طفل یا نوجوان، می‌تواند او را در حالی که هنوز جرم به وی منتسب نیست، در معرض برچسب خوردن قرار دهد (جهانی‌پور، ۱۴۰۰، ص ۳۹۳).

۳. با توجه به اینکه طبق ماده ۴۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، طفل یا نوجوان برای جلسه رسیدگی به دادگاه احضار نمی‌شوند، عدم حضور آن‌ها نیز مجوزی برای دستور جلب آن‌ها نیست (خالقی، ۱۴۰۰، ص ۵۳۱).

تشخیص مصلحت طفل نیز بر عهده دادگاه است.^۱ بنابراین، مقررات اخیرالذکر در مورد محدودیت حضور در دادگاه اطفال و نوجوانان فقط در مورد طفل اعمال می‌شود و شامل متهم نوجوان نمی‌باشد؛ که این موضوع، کاملاً در چارچوب اهداف مدنظر کمیته حقوق کودک قرار دارد. همچنین، گفتنی است که در این موارد، رأی دادگاه همواره حضوری به شمار می‌رود (ماده ۴۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری).^۲

ایرادی که برخی حقوقدانان (مهرا، ۱۳۹۹، ص ۶۶) به قانونگذار وارد دانسته‌اند این است که با محدود کردن گستره این سیاست افتراقی به «اطفال» و خارج کردن متهمان «نوجوان» از شمول آن، نوعی تبعیض میان دختران و پسران ایجاد شده است. برای رهایی از این معضل، بهتر آن بود که این سیاست شامل تمامی افراد زیر هجده سال می‌شد^۳ یا اینکه همانند برخی موارد دیگر، تمامی افراد زیر پانزده سال را در برمی‌گرفت. با توجه به اینکه در موازین بین‌المللی، در خصوص سن بلوغ، تفکیکی بین دختر و پسر وجود ندارد، لذا به نظر می‌رسد که این انتقاد چندان هم غیرموجه نمی‌باشد.

در مجموع، به رغم تفاوت در قلمرو این موضوع و نحوه اعمال آن، قانونگذار ایرانی در راستای معیارهای نظام بین‌المللی حقوق بشری گام برداشته و به شکل قابل

۱. تمایل و توصیه‌ها مبنی بر درگیر نشدن اطفال و نوجوانان در نظام عدالت کیفری رسمی، متأثر از ایده اصلی «مدل‌های رفاه‌مدار» است که بیشتر ناظر به مصلحت اطفال می‌باشد و این «مصلحت» در ممانعت از ورود یا تداوم حضور اطفال در نظام‌های رسمی تلقی شده است تا پیامدهایی چون برجسب‌زنی در این فرایندها، آینده آن‌ها را به مخاطره نیندازد (معظمی، ۱۴۰۱، ص ۸۳).

۲. قانونگذار فقط رسیدگی در غیاب طفل را مطرح کرده است، اما حضور وکیل او یا ارائه لایحه دفاعیه از سوی او را طبق مفاد ماده ۴۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری لازم دانسته است تا رأی، غیابی محسوب نشود. بنابراین چنانچه متهم طفل یا وکیل او در هیچ‌یک از جلسات دادرسی حضور نداشته یا لایحه دفاعیه نداده باشند، مستند به ماده مذکور، رأی دادگاه غیابی صادر می‌شود و حق واخواهی برای طفل یا وکیل او که غایب از دادرسی بودند، تحقق پیدا می‌کند (مؤذن‌زادگان، ۱۴۰۲، ص ۲۷۹).

۳. سابقه تقنینی این حکم نیز مؤید این برداشت است؛ به طوری که قانون‌گذار در ماده ۱۰ «قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸» و ماده ۲۲۶ «قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸»، بدون تفکیک اطفال و نوجوانان، مصلحت متهم زیر هجده سال را از مصادیق جواز برگزاری دادرسی در غیاب وی در نظر گرفته بود.

الزامات مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان در جلسه دادرسی... / مرتضی راسته و ۳۰۱

قبولی به تضمین دادرسی حضوری به عنوان یکی از الزامات مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان در دادرسی پرداخته است.

۱-۲. حضور وکیل متهم در جلسه دادرسی

با توجه به رشد ناقص شناختی و عاطفی کودکان و نوجوانان، این طور استدلال می شود که وقتی این قشر به عنوان متهم در دادگاه حاضر می شوند، معمولاً درک محدودی از محیط دادگاه و فرایند دادرسی دارند. افزون بر آن، استرس ناشی از حضور در برابر قاضی و احتمال محکوم شدن نیز ممکن است درک کودک یا نوجوان از فرایند دادرسی را مختل کند. بنابراین، در اعمال حق شنیده شدن، نه تنها باید سازوکاری متناسب با سن و سطح بلوغ آن ها در نظر گرفته شود، بلکه نیاز به همراهی و کمک بیشتری دارند. بر این اساس، حق برخورداری از وکیل و حضور وی در جلسه رسیدگی یکی از مهم ترین مؤلفه های حضوری بودن دادرسی و شرط لازم برای مشارکت مؤثر این قشر از متهمان در فرایند دادرسی است. چنین پیوندی، در قوانین و مقرراتی که برای حمایت از کودکان و نوجوانان به تصویب رسیده اند، به طور ویژه مورد تأکید قرار گرفته است.^۱ علاوه بر این، اسناد جهانی و منطقه ای مربوط به حقوق بشر نیز با حکمی عام، بر اهمیت حضور وکیل در جلسات دادرسی و رعایت آن به عنوان یکی از الزامات مشارکت مؤثر متهم، تصریح کرده اند.^۲

موضوعی که باید به آن توجه کرد این است که بر اساس قواعد و اصول حاکم بر وکالت در محاکم، در مواردی که دادگاه حضور فیزیکی کودک یا نوجوان در جلسه دادرسی را ضروری نداند و یا متهم به هر دلیلی در دادگاه حاضر نشود، صرف حضور وکیل وی نیز کفایت می کند و دفاع از طریق وکیل، دادرسی را واجد وصف «حضوری

۱. در این رابطه می توان به قسمت دوم شق «ب» از بند ۲ ماده ۴ پیمان نامه حقوق کودک؛ بند ۱ قاعده ۱۵ از قواعد پکن؛ بند ۱ ماده ۱۸ مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی؛ بند ۲ ماده ۶ دستورالعمل شماره ۸۰۰/۲۰۱۶ پارلمان و شورای اتحادیه اروپا در مورد تضمین های رویه ای برای کودکان مظنون یا متهم در دادرسی کیفری، اشاره نمود.

۲. شق «د» از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ شق «ج» از بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر؛ بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر؛ شق «ج» از بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم؛ شق «د» از بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی.

بودن» خواهد کرد. این موضوع در رسیدگی به پرونده اس.سی علیه انگلستان توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفت. قضات استراسبورگ^۱ در این پرونده ارزیابی کردند که دادرسی منصفانه مندرج در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به این معنا نیست که کودک یا نوجوان متهم به نقض قوانین کیفری لزوماً و تحت هر شرایطی باید در جلسه دادرسی شرکت نماید و به شخصه تمام جزئیات قانونی را در طول محاکمه کیفری درک کند؛ بلکه حضور وکیل وی در دادگاه به منظور اطلاع‌رسانی و دفاع از متهمی که در جلسه حضور ندارد، کفایت می‌کند (ECtHR, Case of S.C. v. The United Kingdom, 2004, p.29). در این رابطه، کمیته حقوق کودک نیز حق کودک به شنیده شدن و مشارکت مؤثر در دادرسی را، هم به طور مستقیم و هم از طریق حضور وکیل، قابل تحقق دانسته است (CRC, General Comment No.14, 2013, p.45).

فلسفه حضوری تلقی شدن دادرسی با حضور وکیل این است که در این صورت نیز هدف از دادرسی حضوری، یعنی آگاهی از دلایل اقامه شده علیه متهم و امکان دفاع مؤثر از اتهام انتسابی، محقق می‌گردد. همچنین، وصف منصفانه بودن دادرسی تقویت می‌شود و اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری ارتقا می‌یابد (فضانلی، ۱۳۹۷، ص ۴۳۶). به طریق اولی، زمانی که کودک یا نوجوان در دادگاه حضور داشته باشد اما به دلایلی قادر به دفاع مؤثر از خود نباشد، حضور وکیل وی می‌تواند دادرسی را واجد وصف «حضوری» نماید.

در قضیه استنفورد علیه انگلستان که در آن متهم به دلیل کم‌شنوا بودن نتوانسته بود برخی از ادله و مستندات ارائه شده در دادگاه را بشنود، دادگاه اروپایی حقوق بشر با توجه به این واقعیت که وکیل وی می‌توانست همه موارد گفته شده را بشنود و قادر بود هر لحظه نکات مورد نیاز را به موکل خود انتقال دهد، نظر داد که در این پرونده نقض بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر صورت نگرفته است (ECtHR, Case of Stanford v. United Kingdom, 1994, p.30-32). این دادگاه همچنین کشور ترکیه را به دلیل اینکه اجازه نداده بود یک نوجوان پانزده ساله متهم به عملیات

1. Strasbourg.

الزامات مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان در جلسه دادرسی ... / مرتضی راسته و ۳۰۳

تروریستی برای دفاع از خود در محاکم ملّی حضور یابد و یا از وکیل استفاده نماید، به نقض دادرسی منصفانه از طریق نادیده گرفتن حق مشارکت مؤثر، محکوم نمود (ECtHR, Case of Güvec v. Turkey, 2009, p.132-133).

در این رابطه، کمیته حقوق بشر سازمان ملل^۱ در یکی از پرونده‌های تحت رسیدگی خود تأکید نمود که در صورتی که کودکان و نوجوانان متهم به نقض قوانین کیفری هنگام محاکمه در دادگاه حضور نداشته باشند، عدم حضور وکیل آن‌ها در جلسه دادرسی، به منزله محاکمه ناعادلانه است. از این رو، به دلیل غیرموجه بودن محاکمه غیابی متهم و عدم مشارکت مؤثر وی در دادرسی، حکم به نقض شق «د» از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ داد (HRC, Case of (Robinson v. Jamaica, 1989, p.103).

دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر^۳ نیز با توجه به بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر،^۴ در گزارشی درباره وضعیت حقوق بشر در کشور نیکاراگوئه، یادآور شد زمانی که وکیل کودک یا نوجوان متهم به نقض قوانین کیفری نتواند تعهدات خود را در دفاع از موکلش انجام دهد، حق متهم مبنی بر برخورداری از مشارکت مؤثر نقض شده است.^۵

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که در موازین بین‌المللی، حضور وکیل در جلسه دادرسی - در راستای تحقق حق مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان - از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است؛ به طوری که ممانعت غیرقانونی از حضور وی، تحقق این حق را دچار خدشه می‌کند؛ حتی اگر خود متهم کودک یا نوجوان در دادگاه حضور داشته باشد.

1. Human Rights Committee (HRC).

2. International Covenant on Civil and Political Rights (1966).

ایران نیز در سال ۱۳۵۴ به این میثاق ملحق گردیده است.

3. Inter-American Court of Human Rights (IACtHR).

4. American Convention on Human Rights (1969).

5. IACtHR, Report on the Situation of Human Rights of a Segment of the Nicaraguan Population of Miskito Origin (OEA/Ser. L/V/II.62, Doc. 10, rev. 3), 1983.

در نظام کیفری ایران نیز قانون‌گذار به این موضوع توجه داشته و در ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری استناداردهای متفاوتی را جهت حمایت حقوقی از آنان و دسترسی به خدمات وکالتی پیش‌بینی کرده است که از جمله می‌توان به پیشینه‌سازی حضور الزامی وکیل تعیینی و تسخیری اشاره نمود. در دادرسی کیفری بزرگسالان، تنها در جرائم مهم (یعنی جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری یک) است که حضور وکیل، اعم از تعیینی یا تسخیری در دادگاه الزامی شده و شرط رسمیت جلسه دادگاه دانسته شده است (ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری)؛ اما در دادرسی اطفال و نوجوانان، قانون‌گذار از این میزان فراتر رفته و در جرائم متوسط (یعنی جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارش بیش از خمس دیه کامل است و جرائم تعزیری درجه شش، پنج و چهار) نیز حضور وکیل در «دادسرا» یا «دادگاه» را الزامی کرده است.

در این موارد، «دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌کند که برای او وکیل تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه در مرجع قضایی، برای متهم وکیل تعیین می‌شود» (ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری). به این ترتیب، از یک سو قلمرو موضوعی این حکم افزایش یافته و شامل جرائم متوسط نیز شده و از سوی دیگر، قلمرو مکانی-نهادی آن نیز از دادگاه به دادسرا توسعه پیدا کرده است. علاوه بر این، گستره وکالت تسخیری (بدون نیاز به درخواست متهم) نیز افزایش یافته است. بدین سان، حضور و کنشگری وکیل در دادرسی کیفری ویژه اطفال و نوجوانان پررنگ‌تر از دادرسی بزرگسالان شده است.

به این ترتیب، قانون‌گذار از رهگذر این موضوع کاملاً مقارن و هم‌جهت با موازین بین‌المللی گام برداشته و در صدد تضمین حقوق اطفال و نوجوانان و حمایت پیشینه از آنان در فرایند کیفری برآمده است.

موضوع مهمی که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد این است که تصمیم‌گیری در خصوص کودکان و نوجوانان متهم به نقض قوانین کیفری، امر حقوقی صرف نیست؛ بلکه این نوع دادرسی به تعبیری، امری «اجتماعی-قضایی» محسوب می‌گردد

الزامات مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان در جلسه دادرسی ... / مرتضی راسته و ۳۰۵

الهام و منوچهری، ۱۳۹۳، ص ۵۱). از این رو، رسیدگی به اتهامات این قشر و اتخاذ تصمیم در خصوص آن، فرایندی پیچیده و ظریف است که الزاماً تخصص‌های مختلفی را می‌طلبد؛ که طبعاً در یک قاضی و وکیل حقوقدان جمع نمی‌شود. برای این اساس، کنشگر دیگری که در دادرسی کودکان و نوجوانان ایفای نقش می‌کند، مشاور دادگاه کودکان و نوجوانان است. هدف از حضور مشاور، توجه به جنبه‌های پیرا حقوقی پرونده، شناخت دقیق و جامع شخصیت کودک یا نوجوان معارض با قانون و مهم‌تر از همه، گسترش افق دید دادرس در راستای یافتن واکنشی مناسب در برابر رفتار ارتكابی وی می‌باشد. همچنین، از طرفی حضور مشاور می‌تواند باعث ایجاد آرامش در محیط دادگاه و دلگرمی برای متهم و در نتیجه، تقویت مشارکت مؤثر او در دادرسی کیفری شود. به عبارتی، حضور مشاور افزون بر اینکه سبب تعدیل فضای رسمی جلسه دادگاه و کودک مدار شدن آن می‌شود، موجب می‌شود تا از احساس ترس ناشی از حضور در چنین مکانی کاسته شود و کودک و نوجوان متهم به نقض قوانین کیفری با آسودگی خاطر بیشتری در مقابل قاضی قرار بگیرد و به شکلی مؤثر در رسیدگی به اتهام خود مشارکت نماید. بدین ترتیب این امر در فرایند رسیدگی سبب «مشارکتی»، «شورایی» و «مشورتی» شدن دادرسی‌های کودکان و نوجوانان شده و انحصار کنشگران حقوقی را در هم می‌شکند (مهرا، ۱۳۹۸، ص ۶۱).

در این رابطه، پیمان‌نامه حقوق کودک در قسمت دوم شق «ب» از بند ۲ ماده ۴۰، با اشاره به حق کودک بر دادرسی منصفانه مطابق قانون و همراه با کمک حقوقی یا «دیگر کمک‌های مقتضی»، بر ضرورت استفاده از مشاور در دادرسی کودکان و نوجوانان تأکید دارد.

در نظام کیفری ایران نیز به دلیل اهمیت چشمگیر این موضوع در فرایند رسیدگی به اتهامات کودکان و نوجوانان و اثربخشی آن در تحقق مشارکت مؤثر آنان در دادرسی کیفری، قانون‌گذار مجاب شده است که حضور مشاور در جلسه دادرسی کودکان و نوجوانان را در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲^۱ پیش‌بینی و الزامی نماید؛ تا

۱. رک.: ماده ۲۹۸، ۴۱۰ و تبصره ۲ ماده ۳۱۵ قانون مزبور.

جایی که جلسات دادگاه کودکان و نوجوانان بدون حضور مشاور رسمیت ندارد. البته باید توجه داشت که مشاور دادگاه حق رأی نداشته و در تصمیم قضایی دادگاه نیز مشارکت نمی‌کند و نظر او برای قاضی صرفاً جنبه مشورتی دارد (خالقی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۸۹).

۳-۱. حضور والدین یا سرپرستان قانونی متهم در جلسه دادرسی

اصولاً آرامش روحی و عاطفی کودکان و نوجوانان به عنوان اصلی‌ترین دلیل حق مشارکت والدین یا سرپرستان در جلسه دادرسی این قشر از متهمان محسوب می‌شود، زیرا آن‌ها معمولاً با حضور والدین خود در زمان دادرسی، احساس راحتی و حمایت بیشتری می‌کنند. افزون بر این، مشارکت فعال والدین در فرایند دادرسی کیفری ویژه کودکان و نوجوانان، از یک سو سبب افزایش سطح کمی و کیفی مشارکت این قشر خواهد شد و از سوی دیگر، به قاضی کمک می‌کند تا با ایجاد دادرسی غیررسمی، تصمیمی هرچه نزدیک‌تر به مصلحت کودک یا نوجوان اتخاذ کند و به اهداف دادرسی منصفانه دست یابد. بنابراین، بسیار مهم است که والدین یا سرپرستان قانونی در جلسه دادرسی نقش منفعل نداشته باشند. بر این اساس، آن‌ها باید در ردیف نخست صندلی‌های دادگاه و کنار متهم بنشینند و قاضی نیز ملزم است به آن‌ها فرصت دهد تا نظرات خود را در مورد آنچه اتفاق افتاده و

۱. در این خصوص، اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۱۰۶۹/۹۹/۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۲۵ اعلام نمود: «حکم موضوع ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری مبنی بر لزوم حضور مشاور برای رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان، از مقررات مربوط به تشکیلات و سازمان دادگاه است؛ لذا در فرض استعلام که دادگاه نخستین بدون دعوت از مشاور یا بدون حضور وی مبادرت به صدور رأی کرده باشد، دادگاه تجدیدنظر استان باید به استناد تبصره ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری، ضمن نقض رأی تجدیدنظرخواسته، پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه نخستین اعاده کند». همچنین لازم به ذکر است که در بخش دوم این نظریه آمده است: «در فرضی که دادگاه اطفال و نوجوانان بدون حضور وکیل تعیینی یا تسخیری و یا بدون حضور والدین، اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان رسیدگی و رأی صادر کرده است و رأی صادر شده مورد تجدیدنظرخواهی واقع شده است، با توجه به نقض حقوق دفاعی متهم، دادگاه تجدیدنظر استان با عنایت به تبصره ذیل ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری، ضمن نقض رأی تجدیدنظرخواسته با تعیین وقت رسیدگی و رعایت ماده ۴۱۲ این قانون، مبادرت به صدور رأی می‌کند».

الزامات مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان در جلسه دادرسی ... / مرتضی راسته و ۳۰۷

همچنین وضعیت فعلی فرزندشان، بیان کنند. بدین ترتیب، این اصل اساسی به عرصه حقوق کیفری نیز راه یافته و منجر به شکل‌گیری یک «عدالت خانواده‌مدار» شده است که به نوبه خود، بستر ظهور «دادرسی خانواده‌مدار» را نیز فراهم کرده است (مهرا، ۱۳۹۹، ص ۶۷). بر همین اساس، ضرورت مداخله والدین یا سرپرست قانونی کودکان و نوجوانان به عنوان مهم‌ترین تفاوت دادرسی آنان با بزرگسالان ذکر شده است (طهماسبی، ۱۴۰۲، ج ۳، ص ۲۳۵).

در این رابطه، دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر در یک نظریه مشورتی خاطرنشان کرد که: «در دادرسی‌های مرتبط با کودکان و نوجوانان و افراد زیر سن قانونی که علنی بودن دادگاه ممکن است زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، تعیین محدودیت برای حضور افراد در جلسه دادرسی، شامل حق حضور والدین یا سرپرستان قانونی کودک یا نوجوان نمی‌باشد» (IACtHR Advisory Opinion, 2002, p.134). این دادگاه همچنین در یکی از پرونده‌های تحت رسیدگی خود تأکید کرد که محاکم ملی هنگام رسیدگی به اتهام کودکان و نوجوانان، باید زمان و مکان دادرسی را به والدین متهم یا سرپرست قانونی وی اطلاع دهند تا بتوانند در جلسه دادرسی حاضر شوند (IACtHR, Case of Bulacio v. Argentina, 2003, p.130).

در همین راستا، قسمت سوم شق «ب» از بند ۲ ماده ۴۰ پیمان‌نامه حقوق کودک مقرر می‌دارد: «رسیدگی به اتهام کودک باید در یک دادرسی منصفانه با حضور والدین یا سرپرستان قانونی او صورت پذیرد». کمیته حقوق کودک نیز ضمن توصیه به دولت‌ها مبنی بر اینکه باید به صراحت در قوانین داخلی، حداکثر مشارکت ممکن از سوی والدین یا سرپرستان قانونی در دادرسی علیه کودک را پیش‌بینی کنند، اظهار داشته است که والدین یا سرپرستان قانونی باید در طول جریان رسیدگی - به‌ویژه در جلسه دادرسی - حضور مستمر داشته باشند (CRC, General Comment No.24, 2019, p.57).

بند ۲ قاعده ۱۵ از قواعد پکن در این خصوص، علاوه بر اینکه حق حضور والدین یا سرپرستان قانونی کودک یا نوجوان در جلسات دادرسی را به رسمیت شناخته است، پذیرفته که در برخی موارد و در جهت مصالح این قشر از متهمان، ممکن است والدین یا سرپرستان توسط مرجع ذی صلاح ملزم به حضور در دادرسی گردند.

علت چنین احکامی را باید در «حق کودک بر شنیده شدن» در پیمان نامه حقوق کودک جستجو کرد، زیرا انتظار شنیدن آزادانه دیدگاه‌ها و نظرات کودکان و نوجوانان بدون کمک والدین یا سرپرستان آن‌ها دشوار است. بر این اساس، مشارکت این افراد بر مبنای ماده ۱۲ پیمان نامه حقوق کودک نیز الزامی است که بر عهده کشورهای عضو می‌باشد. با این حال، حق حضور والدین یا سرپرستان قانونی در جلسه دادرسی مطلق نیست و اگر دلایلی وجود داشته باشد که همراهی و حضور آن‌ها در فرایند دادرسی برخلاف «منافع عالی»^۱ متهم است یا زمانی که حضور این اشخاص روند رسیدگی را به خطر می‌اندازد، از حضور آن‌ها ممانعت به عمل خواهد آمد. کمیته حقوق کودک در این رابطه مقرر می‌دارد: «... قاضی یا مقام صلاحیت دار می‌تواند بنا به درخواست کودک یا وکیل وی و یا به دلیل اینکه حضور والدین و سرپرستان قانونی دارای آثار منفی بوده و به صلاح کودک نیست -مانند اینکه برخورد خصومت‌آمیز و فیزیکی نسبت به کودک نشان دهند-، تصمیم بگیرد که آن‌ها را از مشارکت در فرایند دادرسی محروم کند یا حضور آن‌ها در جلسات رسیدگی را محدود نماید» (CRC, General Comment No.24, 2019, p.56).

همچنین، در صورتی که خود والدین نیز در جرم ارتكابی مشارکت یا معاونت کرده

۱. منافع عالی (The Best Interests) کودکان و نوجوانان به عنوان یک اصل راهبردی و بنیادین، دارای مفهومی پویا و در عین حال پیچیده است که موضوعات مختلفی را در بر می‌گیرد و محتوای آن باید بر اساس شرایط خاص کودک یا نوجوان مربوطه، با در نظر گرفتن سن، سطح بلوغ، ظرفیت‌های فکری و عاطفی و همچنین موقعیت و نیازهای شخصی و خانوادگی آنها، به صورت موردی ارزیابی و تعیین شود. اگرچه در پیمان نامه حقوق کودک به جای ارائه مفهوم منافع عالی کودکان و نوجوانان و ذکر مصادیق و نحوه تعیین معیارهای عینی آن، صرفاً رعایت این منافع در کلیه اقدامات مربوط به این قشر مورد تأکید قرار گرفته است اما کمیته حقوق کودک به عنوان یگانه مرجع تفسیرکننده حقوق مندرج در این پیمان نامه و در راستای تفسیر حکم بند ۱ ماده ۳ آن، علاوه بر اینکه سازوکارهایی برای ارزیابی و نحوه تعیین معیارهای عینی منافع عالی کودکان و نوجوانان ارائه می‌دهد، برخی از مهم‌ترین و رایج‌ترین مصادیق آن را نیز تصریح نموده است؛ از جمله: «ابراز عقاید و حق آزادی بیان»؛ «مراقبت، نگهداری و امنیت»؛ «وضعیت‌های حساس مربوط به رشد و بازپروری»؛ «حق بر سلامتی و تحصیل»؛ «هویت شخصی و خانوادگی»؛ «ارتباطات اجتماعی با بزرگسالان»؛ «رفاه»؛ «توانایی‌ها و تقویت توانمندی»؛ «محیط خانوادگی، روابط خانوادگی و تماس با اعضای خانواده» (CRC, General Comment No.14, 2013).

باشند، مقامات قضایی باید از شخص بزرگسال دیگری که از طریق متهم معرفی شده است، برای شرکت در جلسه دادرسی دعوت نمایند. در مواردی که متهم شخص بزرگسال مناسب دیگری را معرفی نکرده باشد یا شخصی که توسط وی معرفی شده است مورد قبول مقام صلاحیت دار نباشد، مقامات صلاحیت دار باید با در نظر گرفتن منافع متهم، شخص بزرگسال دیگری را برای همراهی او تعیین کنند.^۱

نکته ای که باید به آن توجه نمود این است که برخلاف قواعد و اصول حاکم بر وکالت در محاکم، که صرف حضور وکیل و دفاع از طریق وی - حتی بدون حضور کودک یا نوجوان - را اصولاً واجد وصف حضوری بودن دادرسی قلمداد نموده است، صرف حضور والدین یا سرپرستان قانونی در دادگاه بدون مشارکت وکیل، کفایت نمی کند و در راستای حضوری محسوب شدن دادرسی در غیاب متهم، اصولاً حضور وکیل وی در تمام جلسات دادرسی ضرورت دارد. زیرا گرچه حضور والدین می تواند به کودکان و نوجوانان کمک کند، اما نه والدین یا سرپرستان قانونی و نه فرد بزرگسال دیگری که متهم انتخاب کرده باشد، هیچ کدام نمی توانند جانشین مناسبی برای یک وکیل آموزش دیده باشند و حضور آنها صرفاً جنبه حمایت عاطفی دارد، نه حمایت حقوقی.

در نظام کیفری ایران نیز قانون گذار تلاش کرده است تا آنجا که ممکن است پیوند اطفال و نوجوانان با خانواده هایشان حفظ شود و این دو همواره در تعامل با یکدیگر باشند. هدف از این سیاست افتراقی و خانواده مدار، تضمین مصالح عالیّه اطفال و نوجوانان و فراهم سازی بستر رشد و تربیت آنان بوده است. در این راستا، قانون گذار به شیوه های مختلف خانواده را در فرایند دادرسی مشارکت داده است؛^۲ به این ترتیب که:

1. Directive (EU) 2016/800 The European Parliament and the Council of the European Union, on procedural safeguards for children who are suspects or accused persons in criminal proceedings, 11 May 2016, Recital 58 and Article 15 (2)(C).

۲. در این رابطه می توان به مواد ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۵، ۴۱۷ و ۴۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین ماده ۳۸ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان اشاره نمود.

نخست، ابلاغ وقت رسیدگی و آراء و تصمیمات دادگاه به والدین، اولیاء و سرپرستان قانونی متهم الزامی دانسته شده است؛ دوم، یکی از شرایط دادرسی فوری، حضور والدین یا سرپرست قانونی متهم قرار داده شده است؛ سوم، به والدین، اولیاء و سرپرستان قانونی طفل یا نوجوان اجازه داده شده است تا در زمان رسیدگی دادگاه حضور داشته باشند؛ چهارم، مقام قضایی مکلف است به ولی یا سرپرست طفل یا نوجوان ابلاغ کند که برای متهم وکیل تعیین نمایند؛ پنجم، با تمهید دفاع خانوادگی، به ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان این اختیار داده شده است که در جرائم خُرد و سبک (جرائم تعزیری درجه هفت و هشت) شخصاً از متهم دفاع کنند؛ ششم، به والدین، اولیا و سرپرستان قانونی طفل یا نوجوان اجازه ارائه نظر مشورتی و پیشنهادهای حمایتی از متهم داده شده است؛ هفتم، به ولی یا سرپرست قانونی متهم این حق داده شده است که به آراء و تصمیمات دادسرا یا دادگاه اعتراض کنند.

این احکام و الزامات نشان از ضرورت مشارکت خانواده در عدالت کیفری اطفال و نوجوانان دارد، زیرا در حوزه عدالت کیفری اطفال و نوجوانان، عدالت بدون خانواده، اساساً دیگر به این مفهوم دلالت نخواهد کرد. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که این موضوع در نظام کیفری ایران با معیارها و استانداردهای بین‌المللی - به خصوص پیمان‌نامه حقوق کودک - سازگار است. البته شایان ذکر است که هرچند در هیچ‌یک از مواد مزبور تصریح نشده است که چنانچه اصل «رعایت منافع عالیة طفل یا نوجوان» در فرایند دادرسی اقتضا کند، دادرس دادگاه می‌تواند وقت رسیدگی را برای حضور در جلسه به ولی یا سرپرست قانونی او ابلاغ نکند و یا مانع حضور آن‌ها در جلسه شود، با این حال با توجه به جایگاه اصل مزبور در فرایند دادرسی و نظر به حکم کلی ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱،^۱ این حق برای دادگاه محفوظ است.

۱. رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات دادگاه‌ها و مقامات اجرایی الزامی است.

۲. شفاهی و توافقی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان

مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان در جلسه دادرسی، به طور ناگزیر حق بردادرسی شفاهی و توافقی را ایجاد می نماید. دادرسی شفاهی به این معناست که تمامی اقدامات دادرسی از قبیل تفهیم اتهام، استماع شهادت و پرسش ها و پاسخ ها، با صدای بلند و رسا در محضر قاضی دادگاه صورت گیرد (زراعت و احمدی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۰). این موضوع از یک سوسبب می شود که قضات درک بهتر و کامل تری از جزئیات پرونده و آنچه که اتفاق افتاده است داشته باشند و بدین ترتیب، به نتایج صحیح تری دست یابند و تصمیمات دقیق تری اتخاذ کنند؛ و از سوی دیگر، متهم اطمینان می یابد که نظرات و دفاعیات وی به طور دقیق و کامل شنیده شده و مورد توجه قرار خواهد گرفت.

دادرسی شفاهی به طور ویژه مورد توجه کمیته حقوق کودک قرار گرفته است؛ به طوری که مقامات قضایی را ملزم کرده است که حتی در حضور والدین یا سرپرستان قانونی در جلسه دادرسی، نباید توضیح اتهامات را به چنین افرادی واگذار کنند (CRC, General Comment No.24, 2019, p.48). با بررسی رویه کمیته حقوق بشر، مشخص می شود که این مرجع نیز در برخی پرونده ها به صراحت بر حق شفاهی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان تصریح نموده است. در دعوی اورخوئلا علیه کلمبیا که متهم ۱۴ ساله به دلیل عدم رسیدگی شفاهی به اتهام وی و این که تمام جلسات دادرسی در دادگاه ویژه کودکان و نوجوانان به صورت کتبی برگزار شده بود، شکایت نموده بود، کمیته با این استدلال که برای تضمین حقوق دفاعی مندرج در ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، به ویژه شق «د» و «ه» از بند ۳، کلیه مراحل دادرسی کیفری باید به متهم یا وکیل وی اطلاع داده شود تا بتواند از حق رسیدگی شفاهی و توافقی استفاده نماید، دادگاه ملی کلمبیا را به دلیل عدم ایجاد امکانات برای تشکیل جلسه دادرسی شفاهی، به نقض ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی محکوم نمود (HRC, Case of Orejuela v. Colombia, 2002, p.7.3). در این رابطه، دادگاه بین آمریکایی حقوق بشر نیز در یکی از پرونده هایی که به این

نهاد ارجاع شده بود اعلام کرد که با توجه به حساس بودن موضوع پرونده و اهمیت استماع دفاعیات متهم نوجوان، مواضع دولت در برگزاری کتبی رسیدگی، برخلاف اصول مربوط به دادرسی منصفانه است (IACtHR, Case of Ramirez v. Guatemala, 2005, p.23). همچنین، دادگاه اروپایی حقوق بشر در یکی از جدیدترین پرونده‌های تحت رسیدگی خود، با قاطعیت و صراحت کامل، اصل شفاهی بودن دادرسی را به عنوان یکی از عناصر مهم در جهت قوام دادرسی منصفانه و یک اصل بنیادین مستنبط از بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قلمداد نموده و تأکید کرده است که اگر متهم تصمیم به استفاده از حق دادرسی شفاهی داشته باشد اما محاکم ملی به نحوی فرصت دفاع و استدلال شفاهی را از وی گرفته باشند، مفهوم ماهیت حق رسیدگی منصفانه دچار خدشه خواهد شد (ECtHR, Case of Transkop, Ad Bitola v. North Macedonia, 2021, p.27).

یکی از حقوقی که به واسطه دادرسی شفاهی مورد توجه قرار می‌گیرد، حق متهم مبنی بر ترافعی بودن دادرسی است. این موضوع در درجه‌ای از اهمیت قرار دارد که اکثر اسناد عام حقوق بشری در حکمی کلی به صراحت بر رعایت آن تأکید کرده‌اند.^۱ در پیمان نامه حقوق کودک نیز این حق به طور ویژه پذیرفته شده است.^۲ کودکان و نوجوانان متهم به نقض قوانین کیفری با استفاده از این حق می‌توانند به‌شخصه یا از طریق وکیل، شهادت علیه خود را بشنوند و با طرح پرسش از شاکی و شهودی که بر علیه او شهادت می‌دهند، اظهارات آن‌ها را به چالش بکشند. همچنین، این حق را خواهند داشت که شهودی که به نفع او شهادت می‌دهند را با همان شرایطی که برای شهود علیه او در نظر گرفته شده است، احضار کنند و بدین ترتیب، صحت دفاع از خود را تصدیق نمایند.

مسئله مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا عدم حضور کودکان و

۱. شق «ه» از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ شق «د» از بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر؛ شق «ک» از بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر؛ شق ۳ از بند «ه» ماده ۲ قطعنامه کمیسیون آفریقایی حقوق بشر؛ شق «ه» از بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی.
۲. شق «ب» از بند ۲ ماده ۴۰.

نوجوانان یا وکیل آن‌ها در جلسه دادگاه تجدیدنظر و به تبع آن، عدم رسیدگی شفاهی و ترافعی در مرحله تجدیدنظر، منصفانه بودن دادرسی را دچار خدشه می‌کند؟
در این رابطه، کمیته حقوق بشر معتقد است که با توجه به اینکه رسیدگی در این مرحله به موضوعات ماهوی یا مسائل شکلی مربوط می‌شود، حضور متهم در دادگاه و شفاهی و ترافعی بودن جلسه دادرسی تجدیدنظر، ممکن است ضروری باشد (HRC, Case of Karttunen v. Finland, 1992, p.7.3). بنابراین، چنین موضوعی را از دو جهت می‌توان بررسی نمود:

۱. در پرونده‌هایی که دادگاه تجدیدنظر صرفاً به موضوعات شکلی رسیدگی می‌کند، ضرورتی به حضور متهم کودک یا نوجوان در جلسه یا شفاهی و ترافعی بودن دادرسی وجود ندارد، زیرا رسیدگی به موضوعات شکلی اساساً مکتوب است.
۲. در صورتی که دادگاه تجدیدنظر صلاحیت کامل جهت ورود به ماهیت دعوی داشته باشد، به نحوی که با نقض حکم برائت دادگاه بدوی وارد ماهیت پرونده شود و تمام شواهد و مدارک را به طور کامل مورد بررسی و ارزیابی مجدد قرار دهد، ملزم است که از متهم دعوت به حضور کند تا به طور حضوری، شفاهی و ترافعی از خود دفاع نماید.

براین اساس، می‌توان گفت اصل بر این است که دادرسی در تمامی مراحل - چه بدوی و چه تجدیدنظر- باید به صورت حضوری، شفاهی و ترافعی برگزار شود؛ لیکن غیابی، کتبی و غیرترافعی بودن در مرحله تجدیدنظر در برخی موارد می‌تواند با ویژگی‌های خاص یک دادرسی توجیه شود؛ مشروط بر اینکه دادرسی حضوری، شفاهی و ترافعی، حداقل در مرحله بدوی به انجام رسیده باشد.

در نظام کیفری ایران نیز، اگرچه در احکام ویژه اطفال و نوجوانان به لزوم دادرسی شفاهی این قشر از متهمان اشاره‌ای نشده است، اما برخی مواد قانون آیین دادرسی کیفری^۱ با تأکید بر «استماع اظهارات» کنشگران دادرسی کیفری توسط دادگاه، نشان از اهتمام قانون‌گذار به لزوم دادرسی شفاهی به عنوان یکی از مؤلفه‌های دادرسی منصفانه و الزامات مشارکت مؤثر متهم در جلسات دادرسی دارد.

۱. نک: مواد ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۷ و ۳۶۸ قانون مزبور.

با توجه به اینکه احکام مربوط به رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان در بخش مربوط به دادگاه‌های کیفری تصریح شده است و نقیض موضوع شفاهی بودن دادرسی در آیین دادرسی اطفال و نوجوانان وجود ندارد، می‌توان لزوم دادرسی شفاهی را به دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان نیز تعمیم داد. همچنین، براساس این استدلال، می‌توان گفت مستفاد از ترتیب مقرر در ماده ۳۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص رسیدگی ترافعی دادگاه، تمامی ادله‌ای که در مرحله تحقیقات مقدماتی علیه متهم طفل یا نوجوان به شیوه کتبی و سری جمع‌آوری شده است، باید در جلسه دادگاه و در حضور طرفین و مهم‌تراز همه، به صورت شفاهی مورد بحث و بررسی قرار گیرد (زراعت و اشرافی، ۱۳۹۷، ص ۲۵)، به گونه‌ای که متهم یا وکیل وی بتواند ادله ابرازشده را به چالش بکشد، از شهود طرف مقابل پرسش نماید و دفاعیات خود را در مقابل ادله اظهار کند. لذا شفاهی بودن دادرسی ویژه این قشر، علاوه بر اهمیتی که به عنوان حق متهم برای مورد استماع واقع شدن دارد، از جهت ضرورت ارزیابی درستی اظهاراتش در مقایسه با اظهارات بزه‌دیدگان و شهود نیز دارای اهمیت است. به عبارت دیگر، در جلسه دادرسی باید هر آنچه در پرونده ثبت شده است - اعم از ادله، اظهارات و دفاعیات له و علیه متهم - طرح و ارزیابی شود. با وجود این، مشکلاتی نظیر تراکم پرونده‌های مربوط به اطفال و نوجوانان و نبود فرصت و امکانات کافی، سبب گردیده است که در برخی موارد، گفت‌وگوی روشنی میان دادگاه و اصحاب دعوا و وکلای آن‌ها صورت نگیرد و جز معدود اظهارات موجز و شفاهی، جلسه به تبادل اسناد و لوایح، توزیع اوراق پرونده توسط دادگاه و در نهایت، نگارش و امضای صورت جلسه بگذرد.

با توجه به موارد ذکر شده، در مجموع می‌توان گفت که در نظام دادرسی کیفری ایران، به رغم آنکه دادرسی شفاهی و ترافعی از ظرفیت قانونی مناسبی برخوردار است، رویه برخی دادگاه‌ها به دلیل غلبه یافتن دادرسی کتبی، امکان مشارکت مؤثر اطفال و نوجوانان در دادرسی را سلب نموده است. براین اساس، می‌توان اذعان نمود که این مؤلفه مشارکت مؤثر (شفاهی و ترافعی بودن دادرسی) تا حدودی با معیارهای مورد پذیرش نظام بین‌المللی حقوق بشر فاصله دارد.

۳. غیرعلنی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان

به رغم اینکه علنی بودن دادرسی در پرتو مقررات عام کیفری به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی دادرسی منصفانه در جهت تضمین شفافیت روند رسیدگی و نظارت عمومی بر عملکرد دستگاه قضایی به شمار می‌رود، ماهیت نظام عدالت علنی شامل مجموعه‌ای از اقدامات با اهداف متعدد است که در صورت بروز تعارض با سایر ارزش‌های اساسی، محدودیت‌های بالقوه‌ای پیدا می‌کند. از این رو، زمانی که در یک موضوع خاص، علنی بودن دادرسی اجرای صحیح عدالت را تضمین نکند و اطمینان از منصفانه بودن دادرسی مستلزم برگزاری غیرعلنی آن باشد، اصرار بر علنی بودن غیرقابل توجیه خواهد بود. بر این اساس، در قلمرو حقوق کیفری شکلی ناظر به بزهکاری کودکان و نوجوانان، برگزاری غیرعلنی دادرسی در شمار تضمین‌های دادرسی منصفانه و از الزامات مشارکت مؤثر این قشر از متهمان در فرایند دادرسی کیفری محسوب می‌گردد.

در خصوص مبانی نظری لزوم غیرعلنی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان، توجه به چند نکته زیر ضروری است:

نخست اینکه این موضوع سبب حفظ محرمانگی و مانع تعدی به حق حریم خصوصی کودکان و نوجوانان می‌شود (776 00). وقتی متهم کودک یا نوجوان وارد یک دادگاه غیرعلنی می‌شود، می‌داند هر کلمه‌ای که هنگام اظهار نظر، دفاع یا شهادت بیان می‌شود، صرفاً توسط کنشگران فرایند دادرسی استماع می‌گردد. بنابراین، با آرامش و آسودگی خاطر می‌تواند از خود دفاع نماید. از این رو، حق شهروندان برای حضور در جلسات دادرسی باید در برابر آسیب احتمالی به حق حریم خصوصی کودکان و نوجوانان تعدیل گردد. در این رابطه، بند ۱ قاعده ۸ از قواعد پکن تأکید می‌کند: «رعایت حق حریم خصوصی کودک باید در تمام مراحل رعایت شود تا از ورود آسیب‌های ناشی از شناسایی هویت وی در امان باشد». دوم اینکه به عنوان یک رویه مهم، اعتقاد بر این است که به دلیل آنکه شخصیت کودکان و نوجوانان هنوز قوام و انسجام نیافته است، این قشر نباید به خاطر یک اشتباه، برای همیشه برچسب مجرم بودن بر پیشانی آن‌ها زده شود، زیرا چنین موضوعی سبب

می‌شود خودپنداره مجرمانه در آن‌ها شکل گیرد و به «کژروی دومین»^۱ منجر گردد (مهرا، ۱۳۹۹، ص ۶۵). بسیاری از استدلال‌ها در خصوص پذیرش غیرعلنی بودن دادرسی این قشر از متهمان، مبتنی بر نظریه برچسب زنی می‌باشد. در این خصوص، بند «و» ماده ۵ رهنمودهای ریاض^۲ مقرر می‌دارد: «... برچسب زنی به کودکان و نوجوانان تحت عنوان «منحرف»، «بزهکار» یا «بزهکار بالفطره»، غالباً موجب می‌شود که الگوی رفتاری ثابت و ناپسند برای آن‌ها پدید آید». سوم اینکه غیرعلنی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان، از ابزارهای مهم حفظ اصل برائت در عرصه قضا محسوب می‌شود که مانع از انحراف افکار عمومی و پیش‌داوری نابجا و غیرمنصفانه جامعه نسبت به پرونده و موضوع دعوا می‌شود؛ به‌ویژه با توجه به اینکه علنی بودن دادرسی بیشتر از طریق حضور رسانه‌ها در دادگاه محقق می‌شود و به واسطه معرفی او به عنوان متهم (یا حتی گناه مجرم)، اصل برائت تحت الشعاع قرار می‌گیرد و سبب شکل‌گیری فرض مجرمیت او در اذهان جامعه خواهد شد (خالقی، ۱۳۸۸، ص ۲۰). در این زمینه، به باور برخی حقوقدانان (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۲۷۸)، رسانه‌ها به دو صورت ممکن است برخلاف مقتضای اصل برائت عمل نمایند: ایراد اتهام و پیش‌داوری. این دو امر ممکن است همزمان یا جدا از هم رخ دهند و به «محاكمه رسانه‌ای»^۳ کودکان و نوجوانان متهم به نقض قوانین کیفری منجر شوند. بر این اساس، در مجموع می‌توان گفت که «رعایت حق حریم خصوصی»، «پرهیز از پیش‌داوری و برچسب زنی» و «توجه به اصل برائت» به عنوان مبانی نظری لزوم برگزاری غیرعلنی دادرسی کودکان و نوجوانان شناخته می‌شوند.

نقض اصل غیرعلنی بودن دادرسی کودکان و نوجوانان در کشورهای عضو کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، بارها مورد انتقاد شدید دادگاه بین‌المللی حقوق بشر قرار گرفته است. به طوری که این مرجع در سال ۲۰۱۱، در حالی که عملکرد محاکم آرژانتین در قضیه آرگوئلس و دیگران را به دلیل اینکه تمامی مراحل دادرسی

1. Secondary Deviance.

2. UN Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency [The Riyadh Guidelines] (1990).

۳. این اصطلاح، کنایه از تکیه زدن رسانه‌ها بر کرسی قضاوت و رسیدگی به اتهام متهمان است.

متهمان بزرگسال به طور غیرعلنی و بدون حضور عموم مردم در جلسه دادگاه صورت پذیرفت، ناقض حق دادرسی منصفانه دانست (IACtHR, Case of Arguelles et al (v. Argentina, 2011, p.9)؛ لیکن در همان سال، با الگو گرفتن از مقررات پیمان نامه حقوق کودک و در راستای اجرای حکم مندرج در بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مبنی بر حمایت از منافع عدالت، برگزاری علنی دادرسی کودکان و نوجوانان را به عنوان عنصر تضییع کننده حق مشارکت مؤثر این قشر از متهمان در جلسات دادرسی شناسایی کرد و نتیجه گرفت که در چنین شرایطی، نظام عدالت علنی نمی تواند اهداف اصول دادرسی منصفانه ویژه کودکان و نوجوانان را تضمین کند و بدین ترتیب، منافع عدالت دچار خدشه می گردد.^۱

با بررسی رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر مشخص می گردد که این مرجع به تبعیت از حکم بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۲ و با این استدلال که هنگام برگزاری محاکمه علنی کودکان و نوجوانان، واکنش های منفی شدید از سوی افکار عمومی رخ خواهد داد که یک عامل آسیب زا به دادرسی منصفانه و حق مشارکت مؤثر این قشر در دفاع از اتهامات کیفری علیه خود محسوب می شود، نتیجه گیری کرد که فرایند علنی بودن دادرسی در دادگاه بزرگسالان، همواره باید در مورد کودکان و نوجوانان به عنوان یک رویه به شدت تهدیدکننده تلقی شود (ECtHR, Case of T v. The United Kingdom, 1999, p.95-99).

کمیته حقوق کودک نیز با تبعیت از حکم بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^۳ و با استناد به حق حریم خصوصی مندرج در ماده ۱۶ پیمان نامه

1. IACtHR, Report on Juvenile justice and human rights in the Americas (OEA/Ser.L/V/II. Doc. 78), 2011, Para. 157.

۲. بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تحت عنوان حق بردادرسی منصفانه، مقرر داشته است: «هر کس حق دارد که به دعوی او به طور منصفانه و علنی... رسیدگی شود، اما با این حال... هنگامی که منافع کودکان و نوجوانان ایجاب نماید، ورود عموم مردم و رسانه ها به محل تشکیل جلسات دادگاه می تواند در تمام مدت رسیدگی یا بخشی از آن، ممنوع گردد».

۳. بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در حکمی مشابه با بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ابتدا حق متهم بر علنی بودن محاکمه را به روشنی بیان نموده و در ادامه، امکان محدود کردن آن حقوق را تحت شرایطی پیش بینی کرده است که یکی از مصادیق این استثنا، اقتضای منافع کودکان و نوجوانان در مواجهه با دستگاه عدالت کیفری می باشد.

حقوق کودک،^۱ در تفسیرهای عمومی شماره ۱۲ و ۲۴ خود تأکید کرده است: «همه دولت‌های عضو باید این قاعده را در نظر بگیرند که جلسات دادرسی کودک متهم به نقض قانون، به صورت غیرعلنی و پشت درهای بسته انجام شود. استثنائات این قاعده باید بسیار محدود باشد و به وضوح در قانون بیان گردد» (CRC, General Comment No.12, 2009, p.61). همچنین، حق حریم خصوصی نه تنها مستلزم برگزاری غیرعلنی جلسه دادرسی است، بلکه مقتضی این موضوع است که کلیه افراد دخیل در پرونده و اشخاصی که در اجرای اقدامات دادگاه یا یک مرجع صالح دیگر مشارکت دارند، باید کلیه اطلاعاتی را که ممکن است منجر به شناسایی کودک شود، محرمانه نگه دارند (CRC, General Comment No.24, 2019, p.67).

با این حال، افزایش نرخ جرائم کودکان و نوجوانان در سال‌های اخیر، همراه با پوشش رسانه‌ای گسترده جرائم خشونت‌آمیز توسط آن‌ها^۲ - مانند فاجعه تیراندازی در مدارس و تجاوز جنسی به هم‌کلاسی‌های خود - این تصور عمومی را ایجاد کرده است که امنیت اجتماع مورد تهدید و تعرض قرار گرفته است (Van Dijk and Others, 2018, p.58). چنین موضوعی منجر به تغییر نگرش نسبت به نظام عدالت ویژه کودکان و نوجوانان و تعدیل حق محرمانه بودن دادرسی این قشر از متهمان شده است (Engstrom, 2019, p.152). از این رو، با وجود برخی شرایط و در موارد کاملاً مشخص و با تصمیم کتبی دادگاه، کودک یا نوجوانی که متهم به جرائم خشونت‌آمیز و مهمی است که احساسات عمومی را جریحه دار کرده، در دادگاه عالی ویژه بزرگسالان، با حضور رسانه‌ها و در برابر هیئت منصفه محاکمه می‌شود.^۳

۱. هیچ کودکی نباید در معرض دخالت‌های خودسرانه و غیرقانونی در حریم خصوصی مربوط به خانواده، خانه یا مکاتباتش قرار بگیرد و یا مورد تعدی غیرقانونی بر عزت و شرافتش واقع شود.

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص جرائم خشونت‌آمیز کودکان و نوجوانان؛ نک: حسینی و مصطفی پور، ۱۳۹۶، ص ۱۶۵-۱۹۶.

۳. برخی نویسندگان، نادیده گرفتن اصول دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان را نتیجه نفوذ جریان عوام‌گرایی کیفری (Penal Populism) در حوزه عدالت کیفری کودکان و نوجوانان طی سال‌های اخیر می‌دانند (فرجی‌ها و مقدسی، ۱۳۸۹، ص ۱۴ و ۱۵). طرفداران جریان عوام‌گرایی یا پوپولیسم کیفری، با یک رویکرد ساده‌انگارانه به پدیده پیچیده بزهکاری، معتقدند که ناکارآمدی و شکست سیاست‌های پیشگیرانه اجتماعی و بالینی (بازپرورانه) و کارنامه منفی نظام کیفری عادلانه و جرم‌شناسی شده نیمه دوم سده

البته، باید توجه داشت که با در نظر گرفتن این نکته که کودکان و نوجوانان متهم و بزهکار در مرحله رشد و یادگیری قرار دارند، نوع تدابیر و اقدام‌های عدالت کیفری نسبت به این گروه می‌تواند به سوگیری درست یا نادرست رفتاری آن‌ها منجر شود (نیازپور، ۱۴۰۱، ص ۱۳). در این رابطه، بی‌شک صرف برخورد قضایی و اعمال برخی سختگیری‌ها در فرایند دادرسی نمی‌تواند در پیشگیری و کنترل رفتار مجرمانه کودکان و نوجوانان مؤثر باشد. برای جلوگیری از این امر، پیشگیری رشدمدار^۱ - که در واقع از زیرشاخه‌های پیشگیری اجتماعی است - توصیه می‌شود؛ چراکه پیشگیری رشدمدار متمرکز بر کودکان و نوجوانان در معرض خطر است و هدف آن، مداخله در دوره‌های مختلف رشد کودکان و نوجوانان بزهکاری یا در معرض بزهکاری است تا از تکرار و مزمن شدن بزهکاری آن‌ها در بزرگسالی جلوگیری شود.^۲

براین اساس، در موارد استثنایی که به رسانه‌ها اجازه حضور در جلسات رسیدگی به اتهامات کودکان و نوجوانان داده می‌شود، با توسل به الگوی رفاه‌گرایی کیفری^۳ و در راستای حفظ حقوق متهم و رعایت اقتضائات دادرسی منصفانه و ویژه کودکان و نوجوانان، لازم است قاضی دادگاه با در نظر گرفتن برخی شرایط، دستورات زیر را صادر نماید:

۱. هیچ‌یک از گزارش‌های رسانه‌ای از روند دادرسی نباید تصویر، نام، آدرس منزل یا مدرسه متهم را فاش کنند، یا شامل مشخصاتی باشند که شناسایی کودک یا نوجوان مربوطه را به سهولت فراهم آورد.

بیستم، مهار جرائم را تنها از طریق تدابیر سختگیرانه کیفری ممکن می‌سازد (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۱، ص ۴۲). سختگیری کیفری عوام‌گرا که بر مبنای یک جمع‌بندی کارشناسی یا نظریه علمی مانند نظریه مجازات‌های استحقاقی (Just Deserts) نیست، در واقع با هدف آرام کردن مقطعی افکار عمومی مضطرب و ملتهب اعمال می‌شود و نه رفع عوامل اساسی بزهکاری و انحرافات (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۱، ص ۴۸). براین اساس، عدم نگاه جامع‌عوم‌گرایی به پدیده مجرمانه و تضعیف رویکرد افتراقی نسبت به شخص مرتکب، باعث شده است که حتی در نظام عدالت ویژه کودکان و نوجوانان نیز از لحاظ ماهوی بیشتر از راهکارهای کیفری و سرکوبگر استفاده شود و از لحاظ شکلی نیز از سازوکارهایی مانند تعدیل حق مجرمانه بودن دادرسی کودکان و نوجوانان حمایت نماید.

1. Developmental Crime Prevention.

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص پیشگیری رشدمدار؛ نک: رجیبی پور، ۱۳۹۱؛ فارینگتون و ولش، ۱۴۰۰.

۳. برای مطالعه بیشتر در خصوص الگوی رفاه‌گرایی کیفری؛ نک: غلامی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۶-۸۹.

۲. پس از صدور حکم قطعی و انتشار آن، هیچ تصویری از چهره متهم در هنگام دادرسی نباید در رسانه‌ها منتشر شود (Vandenhoe and Others, 2021, p.382).

در نظام کیفری ایران نیز، اگرچه قانون‌گذار در ماده ۲۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری سابق به صراحت بر غیرعلنی بودن رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان تأکید کرده بود، اما در سال ۱۳۹۲ با تغییری مشهود، نه تنها به غیرعلنی بودن دادرسی اطفال و نوجوانان اشاره نکرد، بلکه در ماده ۴۱۳ با اضافه کردن قید «... حضور اشخاص دیگر در جلسات رسیدگی با موافقت دادگاه بلامانع است»، مطلق بودن دادرسی غیرعلنی این متهمان را به چالش کشید؛ به نظر می‌رسد این تغییر رویکرد، به تبعیت از نظام‌های بین‌المللی صورت گرفته است. البته، می‌توان از مفهوم مخالف ماده ۴۱۳ - که افراد مجاز به حضور در جلسات محاکمه اطفال و نوجوانان را تعیین کرده - استفاده کرد و گفت که در دادگاه اطفال و نوجوانان، اصل بر رسیدگی غیرعلنی است و اگر اشخاصی غیر از افراد ذکر شده در صدر ماده ۴۱۳ مایل به شرکت در جلسات رسیدگی باشند، باید موافقت دادگاه برای حضور آن‌ها اخذ شود.

همچنین، قانون‌گذار در ماده ۳۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری پا را فراتر گذاشته و حتی حضور افراد زیر ۱۸ سال به عنوان تماشاگر را ممنوع کرده است. بر اساس این ماده: «حضور افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی به عنوان تماشاگر در محاکمات کیفری جز به تشخیص دادگاه ممنوع است»^۱.

بنا بر آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه اطلاق ذیل ماده ۴۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری و اعطای اختیار به دادگاه اطفال و نوجوانان برای اجازه ورود برخی افراد به جلسات رسیدگی، ممکن است مغایر با اصول پذیرفته شده حقوق کودکان و نوجوانان و برخلاف موازین دادرسی این قشر از متهمان به نظر برسد، ولی با توجه به فلسفه حکم ماده ۳۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری - که در راستای حفاظت

۱. عبارت «به عنوان تماشاگر»، به این معناست که افراد کمتر از هجده سال می‌توانند به عنوان مطلع، شاهد یا شاکی در محاکمات کیفری حضور یابند. به همین دلیل، دادگاه‌های اطفال و نوجوانان نیز می‌توانند بر اساس ماده ۴۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری، افراد زیر هجده سال که می‌توانند در جریان دادرسی تأثیر داشته باشند را به جلسات محاکمه احضار نمایند.

از منافع عالیۀ اطفال و نوجوانان تصویب شده است - و همچنین، با در نظر گرفتن مفهوم مخالف ماده ۴۱۳ این قانون، می توان گفت که غیرعلنی بودن دادرسی اطفال و نوجوانان در نظام دادرسی کیفری ایران، حداقل به صورت ضمنی، پذیرفته شده است. البته، با توجه به واگذاری این اختیار به دادگاه در ماده ۴۱۳، ضروری است که هیچ تصمیمی به صورت خودسرانه اعمال نشود. از این رو، مسئولیت توجیه جواز ورود برخی افراد به جلسات دادرسی کودکان و نوجوانان بر عهده دادگاه است تا از سوءاستفاده های احتمالی جلوگیری شود. همچنین، باید امکان به چالش کشیدن چنین تصمیمی از سوی متهم، وکیل یا والدین او وجود داشته باشد.

۴. مستدل و مستند بودن حکم دادگاه

با توجه به غیرعلنی بودن دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان و تشکیل جلسات رسیدگی بدون حضور مردم و رسانه ها، فقدان مستدل و مستند بودن حکم دادگاه به طور قابل درکی افکار عمومی را نسبت به آنچه پشت درهای بسته و به صورت محرمانه اتفاق افتاده است، مشکوک خواهد کرد و نظام دادرسی نیز با این اقدام، خود را در معرض بی اعتمادی قرار خواهد داد. بنابراین، مرجع رسیدگی نمی تواند در تصمیم خود صرفاً به اعلام محکومیت یا برائت یا سایر تصمیم ها بسنده کند، بلکه در هر مورد باید با استناد به مواد قانونی و اصول کلی حقوق، رأی صادر کرده و آن را با استدلال توجیه نماید (مهرا و قلی پور، ۱۴۰۰، ص ۸۱).

در راستای تبیین و توجیه چنین الزامی، از یک سوی می توان گفت مستدل و مستند بودن احکام قضایی می تواند به کودکان و نوجوانان در درک تصمیم نهایی دادگاه کمک کند و به متهم، وکیل یا والدین او نشان دهد که چگونه ادله و شواهد ارائه شده در دادگاه و به طور کلی اظهارات و دفاعیات آن ها به عنوان مبنای تصمیم قضایی مورد استفاده و استناد قرار گرفته است. از این رو، متهم یا وکیل وی می توانند در صورتی که حکم صادره را غیرمنصفانه و ناحق بدانند، آن را نپذیرند و هرگونه حق تجدیدنظر موجود را به نحو احسن به کار گیرند. از سوی دیگر، الزام دادگاه به بیان دلایل تصمیمات و نحوه استناد به شواهد و مدارک، به عنوان وسیله ای برای نظارت

افکار عمومی بر عملکرد دستگاه قضایی و اقناع آن‌ها در خصوص منصفانه بودن تصمیم دادگاه بسیار حیاتی است. بنابراین، این اصل باعث می‌شود که به واسطه تضمین پاسخگویی قضات، نوعی محدودیت بر اعمال قدرت قضایی آن‌ها ایجاد شود و امکان نفوذ بر فرایند دادرسی و اتخاذ تصمیمات نامناسب به حداقل برسد. در این رابطه، «دستورالعمل کمیته وزرای شورای اروپا در مورد عدالت کودک مدارا» مقرر داشته است: «احکام و تصمیمات دادگاه باید با استناد به قانون صادر و به درستی استدلال شوند و به زبانی قابل فهم برای کودک توضیح داده شود...» (Committee of Ministers of the Council of Europe, 2010, p.49). همچنین، دادگاه اروپایی حقوق بشر به عنوان یک نهاد قضایی جریان ساز در حوزه حقوق بشر، در راستای حمایت از این حق تأکید کرده است که مستند و مستدل بودن احکام صادره از سوی دادگاه کودکان و نوجوانان، به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از حق محاکمه منصفانه و حمایت قضایی از این قشر، از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ این امر باعث درک متهم کودک یا نوجوان، وکیل وی و افکار عمومی از تصمیمات اتخاذی از سوی دادگاه ملی می‌شود.

براین اساس، پاسخ کلی ارائه شده توسط محاکم ملی با عنوان «کلیه شواهد موجود در پرونده برای محکوم کردن متهم کافی است»، نمی‌تواند به عنوان یک حکم مستدل و مستند در نظر گرفته شود؛ بلکه چنین حکمی به منزله فقدان دلیل آشکار از سوی محاکم ملی قلمداد می‌شود (ECtHR, Case of Rostomashvili v. Georgia, 2018, p.59-60). البته، باید توجه داشت که صرف اینک اسباب و دلایل یک حکم و تصمیم قضایی به صورت جزئی و خط به خط تفسیر نشده است، دلیل بر غیرمنصفانه بودن آن نیست. تصمیمات قضایی محاکم ملی تنها در صورتی به منصفانه بودن دادرسی و حق مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان لطمه می‌زنند که هیچ دلیل و استدلالی برای اتخاذ آن ارائه نشده باشد یا دلایل ذکر شده به دلیل مبهم یا غیرقابل فهم بودن، منجر به انکار عدالت شوند.

در نظام کیفری ایران، با اینکه لزوم مستدل و مستند بودن احکام دادگاه‌های اطفال و نوجوانان به صراحت بیان نشده است، اما با توجه به حکم عام اصل ۱۶۶

قانون اساسی^۱ و ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری^۲ و همچنین شناسایی این موضوع به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی دادرسی منصفانه، می‌توان این حکم عام را به دادگاه‌های ویژه اطفال و نوجوانان نیز تسری داد و این مراجع را به صدور احکام مستدل و مستند ملزم دانست. با این حال، مشکل عمده در رویه برخی دادگاه‌های کیفری ایران این است که در آرای صادره، استدلال کافی برای توجیه تصمیمات اتخاذ شده ارائه نمی‌شود و عموماً عبارات‌های کلیشه‌ای در این زمینه به کار می‌رود. این امر افزون بر اینکه دلایل واقعی چرایی تصمیمات گرفته شده را آشکار نمی‌سازد، تحقق واقعی مشارکت مؤثر متهم را نیز با مشکل مواجه می‌کند و از استانداردهای مورد نظر نظام بین‌المللی حقوق بشر فاصله می‌گیرد. بنابراین، در راستای انطباق با معیارها و خط‌مشی‌های مورد پذیرش موازین بین‌المللی، ضروری است که از یک سو قانون‌گذار بر لزوم مستدل و مستند بودن احکام دادگاه‌های اطفال و نوجوانان تصریح نماید و از سوی دیگر، چالش‌های اجرایی و عملی موجود در رویه دادگاه‌های اطفال و نوجوانان در این خصوص مرتفع شود.

موضوع مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که نظارت عمومی بر منصفانه بودن تصمیمات اتخاذی، به واسطه مستدل و مستند بودن آن، مستلزم علنی بودن احکام صادره و در دسترس بودن آن است (Bosland and Gill, 2014, p.486). با مذاقه در اسناد عام حقوق بشری، مشخص می‌گردد که این اسناد در خصوص علنی بودن حکم کیفری کودکان و نوجوانان و انتشار آن، مواضع یکسانی اتخاذ نکرده‌اند. در حالی که بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ضمن بیان شرط علنی بودن احکام صادره، استثنائاتی را بر آن وارد کرده که یکی از این موارد، مصلحت کودکان و نوجوانان است، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حق مطلق را در این زمینه مقرر کرده و بدون پذیرش هیچ‌گونه استثنا و محدودیتی، بر

۱. این اصل مقرر می‌دارد: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن، حکم صادر شده است.»

۲. در قسمت دوم این ماده آمده است: «... رأی دادگاه باید مستدل، موجه و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن صادر شده است...».

لزوم صدور علنی حکم و انتشار آن حتی در صورت غیرعلنی بودن جلسات رسیدگی تأکید کرده است. با این حال، رعایت مصلحت کودکان و نوجوانان در زمان اعلان و انتشار حکم محکومیت - به ویژه رعایت اصل گمنامی^۱ -، مورد تأکید نظام اروپایی حقوق بشر است (ECtHR, Case of V v. The United Kingdom, 1999, p.73-74). برخلاف این اسناد، در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر هیچ سخنی از لزوم علنی بودن حکم کیفری کودکان و نوجوانان به میان نیامده است. با این حال، دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر به عنوان یگانه مرجع تفسیرکننده حقوق مندرج در این کنوانسیون، این موضوع را - با رعایت حریم خصوصی و خودداری از افشای هویت آنها - بخشی جدایی‌ناپذیر از سازوکار دادرسی منصفانه ویژه کودکان و نوجوانان دانسته است (IACtHR, Case of Asto and Rojas v. Peru, 2005, p.155).

در قوانین و مقرراتی که برای حمایت از کودکان و نوجوانان به تصویب رسیده‌اند، یکی از حداقل ضمانت‌های ارائه شده در پیمان نامه حقوق کودک این است که در طول تمام مراحل دادرسی - حتی به هنگام صدور حکم و انتشار آن - محرمانه بودن کامل هویت کودک لازم است و باید کاملاً به حریم خصوصی وی احترام گذاشته شود.^۲ قاعده ۸ از قواعد پکن نیز بر اهمیت حفاظت از حریم خصوصی این قشر - از ابتدای مظنون واقع شدن تا زمان اجرای حکم - تأکید می‌کند. براساس این ماده: «۱- به منظور اجتناب از صدمه به کودکان و نوجوانان از طریق آگاهی عمومی و فرایند بدنامی ناشی از آن، حفظ حریم خصوصی این قشر باید در کلیه مراحل دادرسی - از جمله اعلان و انتشار حکم - محترم شمرده شود؛ ۲- اصولاً هیچ‌گونه اطلاعاتی که ممکن است منجر به تشخیص هویت و شناسایی بزهکار شود، نباید منتشر گردد». همچنین، کمیته حقوق کودک نیز در راستای تحقق حکم پیمان نامه حقوق کودک، به صراحت مقرر می‌دارد که: «... حکم باید به گونه‌ای علنی شود و انتشار یابد که هویت کودک فاش نگردد» (CRC, General Comment No.24, 2019, p.67).

با توجه به آنچه گفته شد، در مجموع می‌توان اذعان کرد که از منظر موازین

1. The Principle of Anonymity.

۲. قسمت هفتم شق «ب» از بند ۲ ماده ۴۰.

بین‌المللی، اصل بر علنی بودن حکم صادره از سوی دادگاه‌های ویژه کودکان و نوجوانان است. لیکن تفاوت آن با علنی بودن حکم متهمان بزرگسال در این است که در دادنامه منتشره و یا گزارش رسانه‌ها از حکم صادره، سازوکار مربوط به حفظ حریم خصوصی کودکان و نوجوانان باید در نظر گرفته شود. به این ترتیب، انتشار اطلاعاتی که منجر به شناسایی کودک یا نوجوان معارض با قانون شود و تشخیص هویت وی را برای دیگران ممکن سازد، ممنوع است.

موضوعی که باید به آن اشاره نمود این است که به‌عنوان قاعده‌ای کلی، حکم زمانی علنی محسوب می‌شود که یا در جلسه دادگاهی که برای حضور عموم آزاد است به‌صورت شفاهی اعلام و قرائت شود، یا پس از صدور، فوراً به‌صورت کتبی منتشر گردد و در دسترس عموم قرار گیرد، یا با ترکیبی از این دو روش علنی شده باشد (Clooney and Webb, 2022, p.128). با توجه به این موضوع، از آنجا که در هر پرونده، شکل علنی کردن حکم و نحوه انتشار آن باید با توجه به ویژگی‌های خاص دادرسی مورد بحث و ارزیابی قرار گیرد، و با توجه به اینکه جلسه دادرسی کودکان و نوجوانان به‌صورت غیرعلنی برگزار می‌شود، تنها راه علنی بودن حکم صادره از سوی دادگاه‌های کودکان و نوجوانان، در دسترس بودن حکم برای عموم از طریق ثبت در دفتر بایگانی دادگاه یا انتشار آن در نهادهای رسمی و رسانه‌های گروهی است. بنابراین، آنچه عامل بسیار تعیین‌کننده‌ای برای علنی محسوب شدن حکم صادره از سوی دادگاه کودکان و نوجوانان است، دسترس‌پذیری مفاد آن برای عموم شهروندان با رعایت اصل گمنامی در زمان انتشار حکم است.

همچنین، توجه به این نکته ضروری است که حق «علنی بودن حکم» مستقل از حق «غیرعلنی بودن دادرسی» می‌باشد. به عبارت دیگر، رعایت یکی از این حقوق در فرایند دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان لزوماً به معنای نقض نشدن دیگری نیست. براین اساس، اگر جلسه دادرسی این قشر از متهمان - به‌طور غیرقانونی و بدون دلیل موجه - علنی و با حضور عموم مردم و رسانه‌ها برگزار شود، انتشار حکم با رعایت اصل گمنامی و مستند و مستدل بودن آن نیز نمی‌تواند نقض دادرسی منصفانه را توجیه نماید.

نظام کیفری ایران تا قبل از سال ۱۳۹۳، موضع چندان روشنی در خصوص انتشار عمومی احکام دادگاه‌ها - از جمله دادگاه اطفال و نوجوانان - نداشت. الزام قانونی موضوع ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تبصره آن نیز، اولاً ناظر بر انتشار احکام محکومیت قطعی است و سایر آرای قضایی را در بر نمی‌گیرد، و ثانیاً دامنه موضوعی این الزام نیز محدود به جرائم مصرح است. مهم‌ترین ظرفیت قانونی که تا آن زمان در خصوص این موضوع قابل بهره‌برداری بود، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ بوده است که اگرچه به لزوم انتشار آرای دادگاه‌ها و امکان دسترسی عمومی به آن تصریحی ندارد، اما از برخی مواد آن حق دسترسی آزاد به آرا مستفاد می‌گردد. در واقع، با توجه به حکومت اصل دسترسی آزاد به اطلاعات موضوع ماده ۲ قانون یادشده و اصل لزوم انتشار اطلاعات موضوع ماده ۵ آن قانون و عدم تخصیص آن در مورد آرای قضایی، می‌توان پذیرفت که قانون مذکور آرای دادگاه‌ها را از شمول خود مستثنا نکرده است.

با این حال، در سال ۱۳۹۳ با تصویب قانون دادرسی الکترونیکی و الحاق آن به قانون آیین دادرسی کیفری، قوه قضائیه بر اساس ماده ۶۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری موظف گردید که در راستای ارائه آمار و اطلاعات دقیق و تفصیلی در خصوص جرائم، متهمان، بزه‌دیدگان و مجرمان و سایر اطلاعات قضایی، «مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه» را راه‌اندازی نماید. این مهم پس از تأخیری چندساله، سرانجام از ابتدای سال ۱۳۹۹ تحقق یافت و «سامانه ملی آرای قضایی»^۱ راه‌اندازی شد. با این حال، به رغم اینکه بر اساس آمار رسمی منتشرشده از سوی این سامانه، تا تاریخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۲ تعداد کل دادنامه‌های منتشره ۳۹,۹۰۰ رأی بوده است، اما با جست‌وجویی ساده در سامانه ملی آرای قضایی، به وضوح مشخص می‌شود که حکم ماده ۶۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری و سازوکار تعیین شده در آن، تلاشی نه‌چندان موفق در خصوص انتشار احکام دادگاه‌های اطفال و نوجوانان بوده است.

بنابراین، در راستای انطباق و همسویی با موازین بین‌المللی، ضروری است که نخست، حق دسترسی آزاد به آرای دادگاه‌های اطفال و نوجوانان به رسمیت شناخته

1. <https://ara.jri.ac.ir>.

شود و دوم، به عنوان مقدمه اجرای این حق، قوه قضائیه ملزم به انتشار این آرا - با رعایت اصل گمنامی و محرمانه بودن کامل هویت اطفال و نوجوانان - گردد.

نتیجه گیری

مطالعه منابع متعدد حقوقی نشان می دهد که مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان در دادرسی، سنگ بنای مهمی در ایجاد ساختارهای پیچیده حقوق رویه ای این قشر از متهمان و عدالت کودک مدار است. این مشارکت به عنوان یک استاندارد واحد شناخته نمی شود، بلکه به عنوان مجموعه ای از اصول مرتبط توصیف می گردد که هر کدام از آن ها به نوبه خود در قوام مفهوم «مشارکت مؤثر» نقش بسزایی ایفا می کنند. در واقع، این حق با فهرستی قابل توجه از الزامات احاطه شده است که برای تحقق کامل و واقعی آن، باید مجموعه این الزامات مورد توجه قرار گیرد. چنین الزاماتی در اسناد مربوط به حقوق بشر و حقوق کودک و همچنین رویه مراجع نظارتی و قضایی حقوق بشری تصریح شده و سازوکارهای هر کدام از آن ها نیز در جهت تحقق هر چه بهتر اهداف مشارکت مؤثر، مشخص شده است.

بر همین اساس، حضوری بودن دادرسی از طریق حضور فیزیکی متهم، وکیل و والدین یا سرپرستان قانونی وی و فراهم سازی لوازم آن، از جمله ارائه اطلاعات مربوط به زمان و مکان جلسه دادرسی و دعوت از آن ها برای حضور با رعایت فاصله زمانی معقول برای آماده سازی دفاعیات؛ شفاهی و ترافعی بودن دادرسی و تمهید فرصت دفاع مؤثر، برقراری امکان پرسش از شهود طرف مقابل و به چالش کشیدن شهادت آن ها برای متهم یا وکیل وی؛ غیرعلنی بودن دادرسی و رعایت مؤلفه های آن مانند محرومیت شهروندان از حضور در جلسه دادرسی، عدم انتشار جریان رسیدگی در رسانه ها و محرمانه ماندن هویت کودکان و نوجوانان متهم به نقض قوانین کیفری؛ و سرانجام، مستدل و مستند بودن تصمیمات دادگاه و فراهم آوردن مقتضیات آن، مانند در دسترس بودن احکام صادره از طریق انتشار عمومی آن، از جمله الزامات مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان در جلسات دادرسی هستند که به طور قابل قبول از سوی نظام بین المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قرار گرفته اند.

در نظام کیفری ایران، به رغم اینکه در رویه برخی دادگاه‌ها چالش‌هایی در رابطه با سازوکارهای مربوط به شفاهی و ترافیعی بودن دادرسی و انتشار عمومی آرای صادره در دادگاه‌های اطفال و نوجوانان وجود دارد، می‌توان اذعان نمود که رویکرد قانون‌گذار در رابطه با حق مشارکت مؤثر اطفال و نوجوانان در جلسات دادرسی و اقداماتی که در جهت تحقق الزامات آن صورت گرفته، به طور کلی مثبت بوده است. در واقع، از حیث همگامی با اصول دادرسی منصفانه جهانی حقوق کودک، نظام دادرسی کیفری ایران دارای اصولی است که حقوق این قشر از متهمان را تضمین نموده و دادرسی را بر اساس معیارهای پذیرفته شده جهانی هموار می‌سازد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که به رغم تفاوت در برخی الزامات مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان در جلسات دادرسی و نحوه اعمال آن‌ها در موازین بین‌المللی و نظام کیفری ایران، این نظام تا حدود زیادی همسو و منطبق با موازین بین‌المللی است. با این حال، با توجه به شکل‌گیری الگویی واحد و جامع در رابطه با اصول آیین دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان و نظر به اینکه هرگونه گره‌گشایی از حقوق داخلی در خصوص مشارکت مؤثر در دادرسی، منوط به شناخت نظری صحیح این مفهوم و همچنین الزامات و سازوکارهای تضمین آن در پرتویافته‌های حقوق عصر حاضر است، به نظر می‌رسد قانون‌گذار و مقامات قضایی ایران نیز می‌توانند با شناسایی و الهام از معیارها و استانداردهایی که در اسناد حقوق بشر و حقوق کودک در رابطه با الزامات مشارکت مؤثر کودکان و نوجوانان در دادرسی مورد تأکید قرار گرفته است - و ایران نیز به عضویت برخی از این کنوانسیون‌های بین‌المللی درآمده است - از معیارها و خط‌مشی مورد پذیرش نظام بین‌المللی حقوق بشر در قوانین کیفری و رویه قضایی الگو برداری نمایند. بدین ترتیب، گامی مهم در جهت اصلاح و تکمیل سازوکارهای مربوط به دادرسی منصفانه برای این قشر برداشته خواهد شد.

فهرست منابع

۱. الهام، غلامحسین و منوچهری، مریم. (۱۳۹۳ ش). تخصصی شدن رسیدگی در دادگاه‌های اطفال در ایران و ایتالیا. *دوفصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، (۱)، ۳۷-۵۷.
<https://doi.org/10.22059/jqcles.2014.54921>
۲. انصاری، باقر. (۱۳۹۰ ش). مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۱۳(۳۵)، ۲۶۹-۳۰۸.
۳. جهانی‌پور، محمدعلی. (۱۴۰۰ ش). *دادرسی کیفری اختصاصی (اطفال و نوجوانان بزهکار)*. تهران: شهر دانش.
۴. حسینی، سید محمد، و مصطفی‌پور، مسعود. (۱۳۹۶ ش). جرم‌شناسی عصب؛ رویکردی نوین در تحلیل جرائم خشونت‌آمیز اطفال و نوجوانان (با تأکید بر منحنی سن-جرم). *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۵(۱۹)، ۱۲۷-۱۹۶.
<https://doi.org/10.22054/jclr.2017.13107.1229>
۵. خالقی، علی. (۱۴۰۲ ش). *آیین دادرسی کیفری*، جلد ۲، تهران: شهر دانش.
۶. خالقی، علی. (بهار ۱۳۸۸ ش). تأملی بر انتشار چهره متهم در روزنامه‌ها. *فصلنامه پژوهش‌های حقوقی*، ۸(۱۵)، ۱۳-۲۶.
۷. خالقی، علی. (۱۴۰۰ ش). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. تهران: شهر دانش.
۸. رابرتس، جولین. (۱۴۰۰ ش). *درآمدی بر عدالت کیفری*، ترجمه مجید قورچی بیگی، تهران: سمت.
۹. رجبی‌پور، محمود. (۱۳۹۱ ش). *پژوهشی در مبانی پیشگیری اجتماعی رشد مدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان*، چاپ دوم، تهران، میزان.
۱۰. رستمی، هادی. (۱۴۰۲ ش). *آیین دادرسی کیفری*، چاپ سوم، تهران، میزان.
۱۱. زراعت، عباس و احمدی، انور. (۱۳۹۳ ش). مبانی و آثار اصل حضوری بودن فرایند دادرسی کیفری. *دوفصلنامه پژوهش‌نامه حقوق کیفری*، ۵(۲)، ۱۱۱-۱۳۷.
۱۲. زراعت، عباس و اشرفی، محمود. (۱۳۹۷ ش). اصل ترافعی بودن محاکمات کیفری در حقوق ایران. *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۲(۱۰۱)، ۱۱-۳۵.
<https://doi.org/10.22106/jlz.2018.31407>
۱۳. شاملو، باقر و حسینی، انسیه. (۱۳۹۹ ش). حق بر سلامت روان کودکان و نوجوانان بزهکار در پرتو عدالت کیفری افتراقی. *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۲۳(۹۲)، ۷۱-۹۶.
<https://doi.org/10.22034/jlr.2020.185035.1629>
۱۴. طهماسبی، جواد. (۱۴۰۲ ش). *آیین دادرسی کیفری*، جلد ۳، چاپ سوم، تهران: میزان.
۱۵. غلامی، حسین. (۱۳۹۲ ش). الگوها یا گونه‌های عدالت کیفری اطفال. *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۰(۶)، ۸۹-۱۰۶.
۱۶. فرجیها، محمد و مقدسی، محمدباقر. (۱۳۸۹ ش). رویکرد عوام‌گرایی کیفری به عدالت کیفری نوجوانان و جوانان؛ مطالعه تطبیقی. *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، ۷(۱۴)، ۳-۲۸.
۱۷. فارینگتون، دیوید، و براندون ولش. (۱۴۰۰ ش). *پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان (پیشگیری رشد مدار)*، ترجمه سید علی حیدری. تهران: میزان.
۱۸. فضائی، مصطفی. (۱۳۹۷ ش). *دادرسی عادلانه؛ محاکمات کیفری بین‌المللی*، چاپ چهارم، تهران: شهر دانش.
۱۹. معظمی، شهلا. (۱۴۰۱ ش). *دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان*. تهران: دادگستر.
۲۰. مؤذن‌زادگان، حسنعلی. (۱۴۰۲ ش). *دادرسی کیفری ویژه کودکان و نوجوانان*. تهران: سمت.
۲۱. مؤذن‌زادگان، حسنعلی. (۱۳۹۶ ش). *کودکان و نوجوانان معارض با قانون و واکنش‌های اجتماعی*، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد آشوری). تهران: سمت.

۳۳۰ آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۲۰، ش ۲۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۲۲. مهرا، نسرين. (۱۳۹۹ ش). افتراقی سازی تشریفات دادرسی کودکان و نوجوانان در ایران. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس*، ۱۱(۴۱)، ۵۴-۷۵.

<https://doi.org/10.22034/interpol.2020.94329>

۲۳. مهرا، نسرين. (۱۳۹۸ ش). افتراقی سازی نهادها و کنشگران دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس*، ۱۰(۴۰)، ۴۲-۶۶.

۲۴. مهرا، نسرين و قلی پور، غلامرضا. (۱۴۰۰ ش). اساسی سازی نسبی دادرسی منصفانه در قانون اساسی مشروطه. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۹(۳۴)، ۶۳-۹۷.

<https://doi.org/10.22054/jclr.2018.32283.1683>

۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۱ ش). درباره سن و علوم جنایی، (دیباچه دز: رجبی پور، محمود، پژوهشی در مبانی پیشگیری اجتماعی رشد مداراز بزهکاری اطفال و نوجوانان). تهران: میزان.

۲۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۴۰۱ ش). «درآمدی بر سیاست کیفری عوام‌گرا» و «درباره سیاست جنایی افتراقی»، دیباچه ویراست سوم و ویراست چهارم دز: لازرژ، کریستن، *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دهم، تهران، میزان.

۲۷. نیازپور، امیرحسین. (۱۴۰۱ ش). *حقوق کیفری کودکان و نوجوانان (فرایند پاسخ‌دهی به بزهکاری کودکان و نوجوانان)*، چاپ سوم، تهران، میزان.

28. Bosland, Jason, and Jonathan Gill, "The Principle of Open Justice and the Judicial Duty to Give Public Resons", *Melbourne University law Review*, Vol.38, No.2, 2014.

29. Clooney, Amal, and Philippa Webb, *The Right to a Fair Trial under Article 14 of the ICCPR*, Oxford, Oxford University Press, 2022.

30. Committee of Ministers of the Council of Europe, *Guidelines of the Committee of Ministers of the Council of Europe on child-friendly justice*, Strasbourg, Council of Europe Publishing, 2010.

31. Engstrom, Par, *The Inter-American Human Rights System: Impact Beyond Compliance*, London, Palgrave Macmillan, 2019.

32. Radić, Ivana, "Importance of the Protection of Privacy of Juvenile Suspects or Accused Persons in Criminal Proceedings in the Context of the EU Law", *EU and Comparative Law Issues and Challenges Series (ECLIC)*, Vol.4, No.1, 2020.

33. Rap, Stephanie, *The Participation of Juvenile Defendants in the Youth Court: A Comparative Study of Juvenile Justice Procedures in Europe*, Leiden, Pallas Publications, 2019.

34. Vandenhoe, Wouter, and Others, *Children's Rights: A Commentary on the Convention on the Rights of the Child and its Protocols (Elgar Commentaries in Human Rights series)*, Camberley, Edward Elgar Publishing, 2021.

35. Van Dijk, Pieter, and Others, *Theory and Practice of European Convention on Human Rights*, Cambridge, Intersentia, 2018.

Documents & Cases:

36. American Convention on Human Rights (Pact of San Jose), 1969.

37. Convention on the Rights of the Child (General Assembly resolution 44/25), 1989.

38. CRC, General Comment No.24: Children's Rights in the Child Justice System, 2019.

39. CRC, General Comment No.14: The Right of the Child to have his or her Best Interests Taken as a Primary Consideration, 2013.
40. CRC, General Comment No.12: The Right of the Child to be Heard, 2009.
41. Directive (EU) 2016/800 The European Parliament and the Council of the European Union, on Procedural Safeguards for Children who are Suspects or Accused Persons in Criminal Proceedings, 2016.
42. ECtHR, Case of Güveç v. Turkey (Application No.70337/01), 2009.
43. ECtHR, Case of Korchagin v. Russia (Application No. 12307/16), 2018.
44. ECtHR, Case of Rostomashvili v. Georgia (Application No.13185/07), 2018.
45. ECtHR, Case of S.C. v. The United Kingdom (Application No.60958/00), 2004.
46. ECtHR, Case of Stanford v. The United Kingdom (Application No. 16757/90), 1994.
47. ECtHR, Case of Transkop Ad Bitola v. North Macedonia (Application No. 48057/12), 2021.
48. ECtHR, Case of T v. United Kingdom (Application No.24724/94), 1999.
49. ECtHR, Case of V v. The United Kingdom (Application No.24888/94), 1999.
50. European Convention on Human Rights (The Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms), 1950.
51. Guidelines of the Committee of Ministers of the Council of Europe on Child-friendly Justice, 2010.
52. HRC, Case of Karttunen v. Finland (Communication No.387/1989), 1992.
53. HRC, Case of Orejuela v. Colombia (Communication No.848/1999), 2002.
54. HRC, Case of Robinson v. Jamaica (Communication No.223/1987), 1989.
55. IACtHR, Advisory Opinion OC 17/2002, Juridical Condition and Human Rights of the Child, 2002.
56. IACtHR, Case of Arguelles et al v. Argentina (Series C, No.12.167), 2011.
57. IACtHR, Case of Asto and Rojas v. Peru (Series C, No.137), 2005.
58. IACtHR, Case of Bulacio v. Argentina (Series C, No.100), 2003.
59. IACtHR, Case of Ramirez v. Guatemala (series C, No.126), 2005.
60. IACtHR, Report on Juvenile justice and human rights in the Americas (OEA/Ser. L/V/II. Doc.78), 2011.
61. IACtHR, Report on the Situation of Human Rights of a Segment of the Nicaraguan Population of Miskito Origin (OEA/Ser. L/V/II.62, Doc.10, rev.3), 1983.
62. International Covenant on Civil and Political Rights (General Assembly resolution 2200A XXI), 1966.
63. UN Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency [The Riyadh Guidelines] (General Assembly resolution 45/112), 1990.
64. UN Rules for the Protection of Juveniles Deprived of their Liberty (General Assembly Resolution 45/113), 1990.
65. UN Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice [Beijing Rules] (General Assembly Resolution 40/33), 1985.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی